

نگاه دوگانه امریکایی‌ها به طالبان ۹ نامزدوزیر از فیلتر مجلس گذشتند



مجلس نماینده‌گان به نیمی از وزرای پیشنهادی دولت وحدت ملی رأی اعتماد داد که نیمی از افراد راه یافته به کابینه، سهم عبدالله و نیمی دیگر سهم غنی است.
روز چهارشنبه هفته گذشته مجلس نماینده‌گان پس از چند روز بررسی برنامه‌های کاری وزیران پیشنهادی کابینه دولت وحدت ملی، برای دادن رأی اعتماد به آنان تشکیل جلسه داد. پیش از آغاز رأی‌گیری، این مجلس چند مصوبه داشت که از جمله آنها تصویب بودجه دولت وحدت ملی بود.

دبیرخانه مجلس نمایندگان دفترچیزی ۱۹ برگه‌یی با رنگ‌های مختلفی را به چاپ رسانده بود که هر برگ برای یک وزیر پیشنهادی اختصاص داشت زیرا رأی‌گیری...
ادامه صفحه ۶



طالبان گردن انسان‌ها را می‌زنند، به موترها حمله می‌کنند، موترهای بمب گذاری شده را در بازارها منفجر می‌کنند، ولی کاخ سفید آن را یک گروه تروریستی نمی‌نامد. این امر بسیار مضحک است!
صفحه ۶

مجلس، دروازه‌های شوراهای ولایتی را بست!

اعضای شوراهای ولایتی کابل و شماری از ولایات، در واکنش به تصویب قانون شوراهای ولایتی از سوی مجلس نماینده‌گان، گفته‌اند که اگر صلاحیت نظارتی آنان دوباره اعاده نشود، دروازه‌های شوراهای ولایتی را برای همیشه خواهند بست.
مجلس نماینده‌گان، روز چهارشنبه قانون شوراهای ولایتی را تصویب کرد که بر اساس آن، حق نظارت از وکلای شوراهای ولایتی گرفته می‌شود؛ اما نماینده‌گان شوراهای ولایتی، خواهان تجدید نظر در این قانون هستند.

مریم سادات دبیر شورای ولایتی کابل می‌گوید که مردم به‌نماینده‌گان شوراهای ولایتی رأی داده‌اند تا از نزدیک مشکلات مردم را ارزیابی کرده به گوش

حکومت برسانند، بنابراین وکلا اجازه نخواهند داد که حق نظارت و ارزیابی از شورای ولایتی سلب شود.
خانم سادات گفت «اگر ما حق نظارت نداشته باشیم به چه اساس می‌توانیم به یک شفاخانه برویم و مشکلات مردم را ببینیم؟ چطور می‌توانیم به مردم هر ولایت پاسخ‌گو باشیم، نه تنها ما که تمام مردم افغانستان خواهان این هستیم که صلاحیت نظارت، دوباره داده شود یا این که دروازه شوراهای را بسته بکنند و دیگر نیاز نیست که بودجه را بالای انتخابات شورای ولایتی به مصرف برسانند».

مریم سادات استدلال می‌کند که در حال حاضر نماینده‌گان شوراهای ولایتی، بر علاوه سایر فعالیت‌ها، از تطبیق تمام پروژه‌های انکشافی هم در ولایات و



هم در مرکز نظارت می‌کنند و مشکلاتی را که در پروژه‌ها وجود دارد مشخص کرده و تلاش می‌کنند که کمبودهای رفع گردد.
خانم سادات همچنان می‌گوید که شوراهای ولایتی نزدیک‌ترین مرجع قابل...
ادامه صفحه ۶

سناتور امریکایی:

زندانیان آزاد شده طالبان دوباره به جنگ بر می‌گردند



یک سناتور جمهوریخواه امریکا گفت، چند شبهه‌نظامی طالبان که چندی پیش در ازای آزادی «بووه برگدال» از زندان گوانتانامو آزاد شده و به قطر منتقل شدند، با اعضای شبکه حقانی که مرتبط با القاعده است ارتباط برقرار کرده‌اند.
به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، روز پنجشنبه پنتاگون اعلام کرد که با قطر درباره این پنج زندانی طالبان آزاد شده از گوانتانامو همکاری داشته و مطمئن است با هرگونه تهدیدی که این پنج زندانی ایجاد کنند برخورد خواهد شد.
سناتور لیندسی گراهام، که اخیراً به قطر سفر کرد، اظهار داشت که پیش از این سفر از بابت خروج یکی از این زندانیان از قطر نگران بوده اما گفت که در این سفر مقامات قطر به او اطمینان دادند که هر پنج شبهه‌نظامی طالبان همچنان در این کشور هستند.
قطر ماه می ۲۰۱۴ توانست میانجی توافقی مناقشه برانگیز باشد که بر اساس آن بووه برگدال، سرباز این توافقی تنها برای یک سال...
ادامه صفحه ۶

چگونگی کمک امریکا به نیروهای امنیتی افغانستان سری می‌ماند



ارتش ایالات متحده بعد از این ارقام و معلومات راجع به تلاش‌های پرهزینه خود در کمک به نیروهای امنیتی افغانستان را افشا نمی‌کند، بلکه به عنوان «اطلاعات خیلی محرمانه» نگه می‌دارد. قانون‌گذاران از این اقدام انتقاد کرده‌اند.
این اقدام تغییر موضع پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحده امریکا را نشان می‌دهد...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



تصمیم
حیرت‌انگیز
مجلس در
برابر کابینه

اندیشه‌های
سیاسی
در میان
مسلمانان



یادداشتی درباره
«خیلی‌کم... تقریباً هیچ»
سامیون کریچلی

معارف
افغانستان در
سیزده سال
گذشته



احمد عمران

تصميم حيرت انگيز مجلس در برابر كابينه

سخن ماندگار نیاز به آسیب شناسی جدي رفتار مجلسیان

بالاخره نامزدوزاری نجات یافته کابینه دولت وحدت ملی که موفق به عبور از شش خوان رستم شده بودند، به خوان سرنوشت ساز هفتم یعنی صندوق های رای نیز رسیدند. از این میدان اما از ۱۸ نامزدوزیر و یک نامزد رییس، تنها نامزد ریاست امنیت ملی و ۸ نامزدوزیر، پیروز به در آمدند و ۱۰ نامزدوزیر دیگر روی خوشی از نماینده گان مجلس ندیدند. مجلس با دست رد زدن به سینه این ۱۰ تن و دست بیعت دراز کردن به سوی آن ۹ تن دیگر، بار دیگر خود را در محک قضاوت موکلان خود و جامعه مدنی و رسانه ها قرار داد. اکنون به نظر می رسد که این موضع گیری نماینده گان مجلس، این بار بیش از هر زمان دیگری مسأله ساز شده است.

دلایل بسیاری را می توان برشمرد که بر اهمیت کابینه پیشنهادی دولت موجود تأکید می کند. یکی این که این کابینه پیشنهادی برآمده از دل یک انتخابات پُر حاشیه در مقطع زمانی حساس ۲۰۱۴ بود. بدون شک این انتخابات با تمام جنجال هایش سبب شد که نگاه های داخلی و خارجی به آن بیشتر معطوف گردد؛ هر چند که مناسبت و هم زمانی آن با سال دلهره و ابهام یعنی سال ۲۰۱۴ هم پیش از پیش ذهن ها را درگیر مسأله کرده بود. وقتی این انتخابات پُر اهمیت از مسیر اصلی خود منحرف شد و راه بحران را در پیش گرفت، دولت وحدت ملی با میانجی گیری های فراوان تولد یافت. در نتیجه، مردم و رسانه ها از همان شروع بازی، عمل کرد این حکومت را لحظه به لحظه رصد کردند و میزان موفقیتش را با ترازوی خود اندازه گرفتند. ولی تعلل بسیار حکومت برای معرفی کابینه پیشنهادی اش، بر تعداد تماشاچیان و توقعات آن ها افزود. هر کسی مشتاق بود بداند که حکومتی که متشکل از اپوزیسیون حکومت پیشین (اصلاح طلبان) و نخبه گرایان مدعی تحول که از قضا هر دو مدعی شایسته سالاری هستند، چه گونه کابینه می را تشکیل می دهند.

با معرفی نامزدوزاری پیشنهادی پس از یک دوره طولانی و ملال آور، با درخشیدن نام برخی از شخصیت های فرهیخته در این فهرست، بسیاری را لبخند رضایت بر لب نشاناند و منتظر تصمیم نماینده گان مجلس شدند. اما مجلس این بار هم موجی از نارضایتی ها را به بار آورد.

مهم ترین نقدی که این بار هم متوجه مجلس نماینده گان است، عدم حمایت از تعدادی از چهره های جوان، تحصیل کرده و شایسته است که بیشتر آن ها از اقوام خاص و محروم می باشند. اگر بخواهیم از موضعی توجیه گرایانه به آرای مجلس بنگریم، شاید مواردی مانند رای دادن با معیارهای قومی و ارج نهادن به اصل شایسته سالاری، برچسپ هایی بیش به جان مجلس نباشد. نماینده گان مجلس در هر جمعی و در حضور هر رسانه ای این اتهام ها را رد می کنند و یا حداقل خود را امیرا از آن ها می دانند. در ضمن می توان توجیه کرد که در مجلسی که هنوز نماینده گان آن با رای قومی وارد مجلس می شوند، چه طور می شود دم از عمل کرد و رای دهمی ملی گرایانه زد؟ تازه، این را هم می توان افزود که نماینده گان مجلس آدم های سیاسی هستند و البته باید هم سیاسی باشند؛ در نتیجه موضع گیری ها و عمل کردهای سیاسی آن ها در قبال نامزدوزیران امری اجتناب ناپذیر و چه بسا پسندیده است!

ولی اگر بخواهیم با موضعی منتقدانه و از رهگذر آسیب شناسی یا حفظ اصل انصاف و بی طرفی به مجلس بنگریم، به نظر می رسد که نقص های جدی بسیاری کماکان در مجلس وجود دارد و نقدهای عمده بسیاری هم بر آن رواست. این که مجلسیان هنوز با معیار رای قومی به سراغ نامزدوزرا می روند، واقعیت تلخ و انکارناپذیری است که مجلس هنوز موفق به عبور از آن نشده است. البته نباید فراموش کرد که حضور نماینده گان وابسته به گروه ها و جریان های مختلف در مجلس، در سراسر جهان امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است. این مسأله شاید به خودی خود چندان بحران زا نباشد. در هر پارلمانی از غرب تا شرق، نماینده گان مجلس متعلق به اقلیت های مختلف بوده و از منافع گروه های مختلف پشتیبانی می کنند. بنابراین، این امر فی ذاته چندان مسأله ساز نیست. اما آن چه در مورد پارلمان افغانستان نامیدکننده است، عدم توان بازی بی استیجاب است که درست باید بعد از درک تفاوت ها و تعلق های گروهی آغاز شود. به این معنا که اگر در همه پارلمان های جهان نماینده گانی با گرایش ها و علایق گروهی خاص وجود دارند، میدان بازی مشترکی هم وجود دارد که در آن همه به قواعد مشترک و همه پذیر آن احترام می گذارند. یکی از این قواعد عمده، پذیرش حضور دیگران در ساختار سیاسی است؛ به این معنا که در این میدان بازی، هیچ کس نمی تواند با عدول از قواعد بازی در صدد حذف دیگری برآید. متأسفانه در پارلمان ما هنوز هم برخی از نماینده گان بر اساس قاعده حذف عمل می کنند و رای نیاوردن نامزدوزاری اقوام خاص در مجلس، نشانه ای بر تأیید این نظر است.

قاعده دوم بازی را می توان اصل شایسته سالاری دانست. برای هر نماینده از هر قومی سزاوارتر این است که شایسته ترین انتخاب را در قبال اقوام دیگر انجام دهد؛ زیرا حضور این شایسته ها می تواند به نفع قوم های دیگر و در کل، تمام مردم یک سرزمین باشد. با توجه به این اصل، اگر نماینده گان مجلس ما با مسوولیت پذیری عمل می کردند، متواضعانه به جمعی از این ده نامزدوزیر رد صلاحیت شده، کارت سبز نشان می دادند. اما قاعده نانوخته دیگر، اصل تئانی میان قوم ها و جریان هاست. در یک بازی سیاسی در مجلس، اقوام حاشیه نشین باید از توان ائتلاف سازی و تئانی با یکدیگر برخوردار باشند. متأسفانه در مجلس ما نماینده گان اقوام و گروه های مختلف کم تر به این ائتلاف ها ایمان دارند. در حالی که اصل لابی گیری، قاعده زرین سیاست است که نماینده گان ما کمتر از آن بهره برده اند.

در نتیجه به نظر می رسد که مجلس امروز ما جدا از نقدهای بیرحمانه بی که گاه ناگاه با آن مواجه می شود، حالا بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به آسیب شناسی دارد. وقتی که در یک مجلس ۲۴۳ نفری هنوز گاهی عدد رای های باطل دو رقمی می شود، به نظر می رسد که تنها عیب مجلس، قوم گرایی نماینده گان آن نیست! در مجلسی که هنوز بسیاری از نماینده گان با تمام مسوولیتی که در قبال موکلان شان دارند، از رای سفید کار می گیرند، به نظر می رسد که پاشنه آشیل های آن بیشتر از آنی است که برآورد می شود.



نامزدوزیران تفاوت کرده و نماینده گان نگاه تخصص گرایانه تر به مسأله نشان می دهند. اما دیدگاه و رویکرد دوم می گوید که بازی قدرت و معامله در مجلس، گرم بوده و افرادی که رای نیاوردند، به دلیل سنجها و معیارهای مجلس نبوده، بل زد و بندهای پشت پرده از ورود آن ها به کابینه جلوگیری کرده است. این عده عمدتاً به سخنانی اشاره می کنند که در هنگام معرفی نامزدوزیران به مجلس، در مورد پیشمرگان کابینه بر زبان ها جاری بود. اما واقعاً همین مسایل سبب شدند که ده نامزدوزیر رای نیاورند و یا چیزهای دیگری هم وجود داشته که در حال حاضر کسی از آن ها سخن نمی گوید؟

برخی از رسانه ها و شخصیت ها که به نحوی این تصمیم مجلس با پیش فرض های آن ها سر سازگاری نشان نمی دهد، مهر خاموشی به لب زده و واکنش نشان نمی دهند، شاید منتظر عملی شدن این وعده رییس جمهوری اند که پس از رد ده نامزدوزیر کابینه پیشنهادی اعلام کرد که به زودی چهره های دیگری را به مجلس معرفی می کند. شاید این موضوع سبب شده باشد که این رسانه ها و شخصیت ها هر گونه اظهار نظر را در وضعیت فعلی به نفع خود نبینند.

اما بدون شک تصمیم مجلس از نوعی جایه جایی در ارزش ها و معیارها در جامعه سنت زده افغانستان پرده برمی دارد؛ جامعه ای که هنوز فکر می شود افراد معدودی حق دارند در مسایل کلان آن ابراز نظر کنند و تصمیم بگیرند. گذار از چنین سستی بدون شک همراه با عوارض جانبی خواهد بود. عده ای در این میان، اقتدار و قدرت خود را در معرض خطر حس می کنند و عده ای دیگر شاید ارزش های خود را در تقابل با وضعیت ببینند. ولی بدون شک باید گفت که در روزهای آینده ابراز نظرها به مراتب آگاهانه تر از این مسأله را در سطح جامعه شاهد خواهیم بود که به بسیاری از پرسش ها پاسخ خواهد داد.

نداری، احمد سیر مهجور و خلیل صدیق نامزد ریاست بانک مرکزی به دلیل داشتن تابعیت دوم به مجلس راه یافته نتوانستند. حتا در مورد خلیل صدیق نامزدوزیر بانک مرکزی، برخورد نسبتاً اهانت آمیزی صورت گرفت که باعث خدشه دار شدن احساسات شماری از نماینده گان شد.

برخی ها در مجلس که عمدتاً به جناح مخالف عدم رای به نامزدوزیران دارای دو شهروندی تعلق داشتند، استدلال می کردند که بر مبنای مصوبه مجلس، نامزدان ریاست های عمومی مشمول این مصوبه شناخته نمی شوند؛ چون به گونه واضح در مصوبه مجلس از نامزدوزیران دارای دو شهروندی سخن رفته است. اما مخالفان این استدلال تأکید می کردند که ریاست های عمومی نیز در مرتبه وزارت قرار دارند و مشمول مصوبه اند.

سه روز پی هم به ارایه برنامه های نامزدوزیران گذشت که با پرسش و پاسخ های نفس گیر همراه بود و سرانجام روز واقعه فرا رسید. چهارشنبه، هشتم دلو، شاید جزو روزهای به یاد ماندنی سیزده سال گذشته باشد. در این روز به هژده نامزدوزیر و نامزد ریاست امنیت ملی صندوق رای گیری گذاشته شد. اما خلاف انتظار اکثریت که فکر می کردند بیشتر نامزدوزیران رای خواهند آورد، ده تن ایشان نتوانستند آرای لازم را به دست آورند. ۹ تنی که از مجلس رای تأیید گرفتند، چهار تن از سوی رییس جمهوری و پنج تن از سوی رییس اجراییه به مجلس معرفی شده بودند؛ در حالی که از میان ۱۹ تن معرفی شده به مجلس، هشت تن به ریاست اجراییه و یازده تن به ریاست جمهوری تعلق داشتند. چرا این افراد رای لازم را به دست نیاوردند؟ آیا اتفاقی در مجلس نماینده گان افتاده و یا برنامه از قبل طراحی شده بوده است؟

در این میان، دو رویکرد و دیدگاه از همه بیشتر جلب توجه می کند. دیدگاه و رویکرد اول می گوید که سنجها های مجلس نسبت به دوره قبل در مورد معیارهای رای دادن به

پرسشی که بسیاری از ذهن ها را این روزها به خود مشغول داشته، تأیید هشت نامزدوزیر و نامزد ریاست امنیت ملی و رد ده نامزدوزیر دیگر از سوی مجلس نماینده گان است. چه گونه ده تن از صافی مجلس عبور نکردند و حذف شدند؟ چرا نه تن دیگر ویزای ورود به کابینه گرفتند؟

برخی ها پیش از گذاشتن صندوق رای گیری به نامزدوزیران کابینه دولت وحدت ملی به این باور بودند که به دلیل تعلق نامزدوزیران به دو جناح اصلی قدرت در کشور، احتمالاً همه نامزدوزیران آرای پنجاه به علاوه یک را به دست خواهند آورد؛ اما بودند کسانی که از نوعی فضای واکنشی در برابر نامزدوزیران در داخل مجلس سخن می گفتند و تأکید می کردند که احتمال دارد نامزدوزیران کمی رای اعتماد به دست آورند.

اما محاسبات هر دو گروه پس از اعلام نتایج آرا و نگاه به فهرست نامزدوزیران می تواند اشتباه آمیز جلوه کند.

معرفی نامزدوزیران که با تأخیر سه ماهه از سوی رییس جمهوری صورت گرفت، از همان لحظه نخست با واکنش تند مجلس نماینده گان روبه رو شد. عده ای در مجلس نماینده گان با پیش بینی وضعیت و برای چنین روزی، مصوبه ای را پیش از معرفی نامزدوزیران به تأیید دوسوم اعضا رساندند که به نامزدوزیران دارای شهروندی دوگانه صندوق گذاشته نشود. این موضوع البته اختلاف نظرهایی را برانگیخت و باعث جارو جنجال های تازه در مجلس شد، ولی سرانجام موافقان طرح عدم پذیرش نامزدوزیران دو تابعیت پیروز شدند. در این میان، صلاح الدین ربانی نامزدوزیر وزارت خارجه، نورالحق علومی نامزد وزیر وزارت داخله و اکلیل حکیمی نامزدوزیر وزارت مالیه با ارایه اسناد ترک تابعیت دومی، موفق شدند دوباره به مجلس برگردند، ولی نامزدوزیرانی چون جیلانی پوپل، آی سلطان خیری، سادات

چين:

اجازه ورود ارزش های غربی

به متون دانشگاهی را نمی دهیم



وزیر آموزش چین تاکید کرد که باید از ورود ارزش های غربی به سیستم دانشگاهی این کشور جلوگیری کرد. به گزارش گاردین، وزیر آموزش چین قول داد به کتابهایی که به ترویج ارزشهای غربی می پردازند اجازه ورود به دانشگاه های چین را نخواهد داد. شبنهوا، خبرگزاری رسمی چین به نقل از یوان گوئین، وزیر آموزش چین گزارش داد: هرگز به کتابهایی که مروج ارزشهای غربی هستند اجازه ورود به کلاس های خود را نمی دهیم. وی در ادامه تاکید کرد: اظهاراتی که تهمت به رهبر حزب کمونیست چین و سوسیالیسم به شمار روند هرگز نباید به کلاس های دانشگاه راه پیدا کنند.

چین از زمان رهبری زی جین پینگ به عنوان رهبر حزب حاکم در سال ۲۰۱۲ کنترل بر فضای دانشگاهی این کشور را در دستور کار خود قرار داد. رئیس جمهور چین خواستار ثبات و حمایت از سیستم سیاسی این کشور در دانشگاه ها شد. چین تا اندازه زیادی سیستم آموزشی عالی خود را به واسطه رشد اقتصادی خود توسعه داده است. تعداد دانشگاه های این کشور طی یک دهه اخیر به بیش از دو برابر افزایش یافته است.

کشته و زخمی شدن ۱۱۰ نظامی

مصری در شمال سیناء



منابع مصری از کشته شدن ۳۰ نظامی و زخمی شدن ۸۰ تن دیگر در حملات افراد مسلح به ایست های نظامی در شهر العریش در شمال سیناء خبر داد. همچنین مقامات امنیتی مصر در شمال سیناء آماده باش امنیتی اعلام کرده و تدابیر امنیتی شدیدی را در شهرهای این ولایت اتخاذ کردند.

به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز، منابع مصری اعلام کردند: این حملات از طریق موترهای بمب گذاری شده و خمپاره هایی که گردان ۱۰۱ وابسته به ارتش مصر در شهر العریش واقع در شمال سینا را هدف قرار داده بود، صورت گرفت.

گروه «انصار بیت المقدس» در صفحه رسمی خود در توئیتر مسئولیت این حملات را برعهده گرفت.

محمد سمیر، سخنگوی نیروهای مسلح مصر نیز اعلام کرد: افراد مسلح با استفاده از موترهای بمب گذاری شده و خمپاره ها به مراکز وابسته به نیروهای مسلح و دستگاه های امنیتی در شهر العریش حمله کردند که موجب کشته شدن ۳۰ نظامی مصری و زخمی شدن ۸۰ تن دیگر شد.

به گفته محمد سمیر درگیری هایی میان نظامیان مصری با افراد مسلح رخ داد.

محمد سمیر، گروه اخوان المسلمین را به دست داشتن در این حمله متهم و اعلام کرد: این حمله نتیجه حملات موفقیت آمیز نیروهای مسلح و پلیس علیه افراد مسلح طی دوره اخیر در شمال سیناء است. از سوی دیگر عبدالفتاح سیسی رئیس جمهور مصر که قرار بود در نشست سران آفریقا در آدیس آبابا شرکت کند، عصر دیروز برای پیگیری اوضاع شمال سیناء به مصر باز گشت.

از سوی دیگر نیروهای امنیتی مصر در شمال سیناء آماده باش امنیتی اعلام کرده و نیروهای ویژه، نیروهای ارتش و پلیس اقدام به پاکسازی مناطق این استان کردند.

همچنین نیروهای امنیتی عملیات نظامی گسترده یی را با استفاده از جنگنده ها و بالگردهای آپاچی در داخل شهرهای العریش، الشیخ زوید و رفح آغاز کردند. نیروهای امنیتی مصر در تمامی مناطق شمال سیناء مستقر شده و تدابیر امنیتی شدیدی را در اطراف مراکز امنیتی و دولتی اتخاذ کردند. همچنین مسئولانی از وزارت کشور مصر برای پیگیری اوضاع و عملیات نیروهای مصری وارد شهر العریش شدند.

در درگیری ها میان نیروهای ارتش مصر و تروریست ها در شمال سیناء نیز دو کودک کشته شدند.

هفت واقعیت اعجاب آور از «اصلاح طلبی» ملک عبدالله



اکثر ستایش هایی که پس از مرگ ملک عبدالله، پادشاه عربستان مطرح شد سراسر برجسب های سیاسی دارد. دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس، پادشاه ۹۰ ساله عربستان را «عامل تقویت فهم متقابل بین عقاید» توصیف کرد و همزمان کریستین لاگارد، رئیس صندوق بین المللی پول وی را «حامی مهمی در حقوق زنان» نامید. به نظر می رسد تقریباً تمامی سیاستمداران در این امر توافق دارند: «ملک عبدالله اصلاح طلبی حرفه ای بود و کشورش را به سوی آینده رهبری کرد.» اما آیا واقعاً چنین است؟ خبرگزاری روسی راشاتودی در گزارشی به بررسی این مسئله پرداخته است که آیا «خادم حریم شریفین» واقعاً کشورش را اصلاح کرده و به سوی قرن ۲۱ سوق داده است؟

۱. انتخابات، احزاب، مجلس و انتقاد در عربستان معنی ندارد

در مسیری مانند دهه های گذشته، عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴ پایین ترین رشد جامعه مدنی و آزادی سیاسی را در طبقه بندی سالانه «خانه آزادی» به خود اختصاص داده است. کره شمالی، ترکمنستان و اکثر دیکتاتوری های آفریقا در این رده بندی در کنار عربستان جای گرفته اند.

نادیده گرفتن مردم در رژیم سعودی مایه تاسف است. در این کشور هیچ انتخابات ملی، حزب و یا پارلمانی وجود ندارد و تنها یک مجلس مشورتی نمادین که با نام «مجلس الشورا» شناخته می شود در کنار پادشاه در ساختار سیاسی این کشور فعالیت می کند.

انتقاد در این کشور به شدت ممنوع است: تنها طی سال گذشته فعالان برجسته مخالف از جمله عبدالکریم الخدر به دلیل تقاضای تغییر در ساختار سیاسی و ایجاد یک دولت مشروطه و قانونی به هشت سال حبس محکوم و به صدها زندانی سیاسی در این کشور پیوست. تنها چند روز پیش از مرگ ملک عبدالله، رائف بدوی، وبلاگ نویس عربستانی به دلیل نوشتن مطالبی در مورد آزادی بیان در وبلاگش به ۱۰۰۰ ضربه شلاق و حبس محکوم شد.

تنها اصلاح ملک عبدالله در دوران سلطنتش در نظام سیاسی عربستان این بود که وی بر اساس ساختار پادشاهی خود یک انتخابات شهری را ارائه داد که بیشتر به یک سوپاپ اطمینان و مکانیسم نمادین شباهت داشت.

۲. برابری: شغل برای تمام ۷۰۰۰ شهزاده سعودی!

تسلط آل سعود بر نفوذ، قدرت و فشار در عربستان بیانگر وضعیت قرون وسطایی در این کشور است. بیش از ۷۰۰۰ شهزاده با نام آل سعود - که کارشناسان معتقدند تعداد آنها ۳۰ هزار نفر است - اکنون اکثر مشاغل کلیدی عربستان را برعهده دارند و این بدین معنی است که افراد با استعداد و دارای صلاحیت تنها به این دلیل که نام این خاندان را با خود ندارند نمی توانند در سمت های کلیدی قرار داشته باشند.

۳. انتقال قدرت: نیمه برژنف، نیمه بازی تاج و تخت

با وجود تعداد زیاد نوادگان در خاندان آل سعود و وجود گزینه های متعدد برای جانشینی، این خاندان بر قوانین قدیمی و کهنه در انتخاب جانشین تکیه می کند. طبق این قانون عنوان پادشاهی به پسر بزرگ پادشاه و یا یکی از فرزندان بردارانش به ارث می رسد. به این ترتیب است که سلمان ۷۹ ساله با وجود ولیعهد ۷۰ ساله جانشین ملک عبدالله متوفی شد.

در زیر لایه رهبران سالمند آل سعود اما جوانان جاه طلبی وجود دارند که برای رسیدن به قدرت و استفاده از ظرفیت های آن منتظر فرصتی هستند؛ جمعیتی که هر روز با رشد جمعیت جوانان در این قوم افزایش می یابد. با وجود این نسل از جوانان سعودی مشخص نیست که این سیستم

چگونه می تواند رفاه و ثبات عربستان سعودی را طی قرن ۲۱ تضمین کند و ملک عبدالله کوچکترین اصلاحاتی در این خصوص و در پایه های خاندان خود انجام نداد.

۴. قانون: شمشیر و شلاق

ممکن است مقایسه سیستم قانونی عربستان سعودی با گروه تروریستی داعش در فضای مجازی به یک کلیشه تبدیل شده باشد اما رابطه قانون این دو، اساسی و زیربنایی است. هم عربستان و هم داعش از آموزه های فوق محافظه کارانه مدرسه فقه حنبلی استفاده می کنند و بسیاری از «قضات» داعشی، سعودی هستند.

در بین مجازات هایی که به صورت قانونی توسط عربستان سعودی اجرا می شود هر چیزی از قطع دست و پا به دلیل دزدی، شلاق به دلیل جرائم اجتماعی و بریده شدن سر برای جرائم مختلف از جمله قاچاق مواد مخدر، ماشین دزدی و ایجاد فتنه و آشوب به چشم می خورد.

تنها طی سال گذشته با وجود فشارهای بین المللی ۸۷ تن در عربستان سربریده شدند. در ماه گذشته نیز فیلمی از شرایط حقوق بشری عربستان در اینترنت منتشر شد که در آن مردی به چشم می خورد که در حال قتل یک زن است و مردم با دهان باز شاهد این صحنه هستند. با وجود برطرف کردن برخی از مشکلات اساسی عربستان، قضاوت موجود در سیستم قضایی این کشور نیز می توانست با دخالت ساده ملک عبدالله برطرف شود اما به نظر می رسد این مسئله برای ملک عبدالله اولویت نبوده است.

۵. حقوق بشر: شکنجه و چکش قاضی

هیچ نظام قانونی ای در عربستان سعودی وجود ندارد و این تنها قضات هستند که مجازات هر جرم را بر اساس برداشت خود از نص اسلام مشخص می کنند. این مسئله به قاضی ها قدرتی بی حد و حصر داده و یکی از بدترین سیستم های قضایی در جهان را تشکیل می دهند؛ سیستمی قضایی که جرایم و مجازات ها را در آن به سادگی می توان ایجاد کرد و برای متهم راهی برای تجدیدنظر نگذاشت.

به علاوه بسیاری از فرآیندهای قانونی در این کشور بر «اعتراف» متکی است؛ اعترافاتی که بر اثر شکنجه از متهم اتخاذ می شوند. این در حالی است که اطلاعات ناشی از شکنجه حتی از اطلاعاتی که زندانیان گوانتانامو ارائه می دهند غیرقابل اعتمادترند. در این فرآیند به جای تلاش برای به دست آوردن اطلاعات موثق، شکنجه گر با استفاده از تمام ابزارها سعی می کند تا از متهم اعتراف بگیرد.

ملک عبدالله تلاش کرد تا این سیستم را با ایجاد دادگاه تجدیدنظر و ارائه تعریفی محدودتر در انتخاب قضات اصلاح کند. با این حال او ارزش های این سیستم قانونی را به طور کلی زیر سوال نبرد و تمام قضاتی که طی ۲۰ سال اخیر به این شغل مبادرت داشتند مستقیماً توسط او انتخاب می شدند.

۶. حقوق زنان: رانندگی زنان ممنوع

طی دهه گذشته، به صورت نمادین مخالفت هایی با مقوله ممنوعیت رانندگی زنان در عربستان صورت گرفته است. این سلطنت آخرین کشوری است که رانندگی زنان هنوز در آن ممنوع است.

مسئله رانندگی زنان تاکنون در عربستان حل نشده است و هم چنان زنان در این کشور حتی اگر برای اعتراض یا مسیرهای خیلی کوتاه رانندگی کنند در نهایت به شلاق محکوم می شوند. در مورد حقوق زنان ملک عبدالله تنها در سال ۲۰۱۱ و تنها در یک پرونده برای تعدیل مجازات دخالت کرد.

اما نکته مهم این است که برای زنان عربستان رانندگی نکردن کم اهمیت ترین مشکل آنهاست.

بسیاری از زنان عربستان بیش از رانندگی ترجیح می دهند تا بتوانند خانه را ترک کرده، خرید و یا یک سند قانونی را امضا کنند. در حقیقت آنها می خواهند حق انجام هرگونه فعالیت رسمی را از رضایت دادن برای عمل جراحی تا ثبت نام یک کلاس را داشته باشند بدون اینکه نیازی به اجازه قیم یعنی پدر یا همسرشان داشته باشند. با این حال حتی این اقدامات خفه کننده تنها بخشی از مصائب زنان در جامعه بسته عربستان است.

ملک عبدالله زنان را به تحصیلات بالاتر تشویق کرد و ۵۰ زن را در مجلس مشاوران خود جای داد. او همچنین به زنان اجازه شرکت در انتخابات و کاندید شدن در انتخابات شهری را داد اما مانند سایر اصلاحاتی که در عربستان انجام شده این اصلاحات نیز تنها جنبه نمادین داشته و تأثیر محدودی بر زندگی زنان این کشور داشته است.

ملک عبدالله زنان را به تحصیلات بالاتر تشویق کرد و ۵۰ زن را در مجلس مشاوران خود جای داد. او همچنین به زنان اجازه شرکت در انتخابات و کاندید شدن در انتخابات شهری را داد اما مانند سایر اصلاحاتی که در عربستان انجام شده این اصلاحات نیز تنها جنبه نمادین داشته و تأثیر محدودی بر زندگی زنان این کشور داشته است. با این حال می توان امیدوار بود که این اقدامات ملک عبدالله گام ابتدایی برای ایجاد اصلاحات گسترده تر در این کشور باشد.

۷. جنگ با تروریسم: دوست یا دشمن؟

اختصاص ۱۰۰ میلیون دلار به عنوان کمک به مرکز ضد تروریسم سازمان ملل سال گذشته بیانگر بخشندگی ریاض بود اما به نظر می رسد سعودی ها همان طور که با یک دست چیزی می دهند با دست دیگر چیزی را می گیرند. بر اساس اطلاعات سیاسی منتشر شده توسط ویکی لیکس در سال ۲۰۱۰، امریکا عربستان سعودی را بزرگترین تامین کننده مالی تروریست های سنی در جهان و حساب پس اندازی برای القاعده و سایر گروه های افراطی توصیف کرده است.

در حقیقت می توان این چنین برداشت کرد که آل سعود تنها با نوع «اشتباه» تروریسم مخالف است. نوع اشتباه تروریسم برای آل سعود احتمالاً گروه های شیعه و برخی گروه هایی هستند که هژمونی آنها را در منطقه به خطر می اندازد. در همین حال زمانی که گروه های تروریستی «محق» مانند شبه نظامیان چچنی روسی و شورشیان ضد اسد ظهور می یابند، ریاض نه تنها از آنها حمایت مالی می کند بلکه آنها را ابزار قانونی و مشروع برای گسترش ایدئولوژی وهابی می داند.

بخش دوم و پایانی

در آغوش خداوند

چه گونه شناختن من از مرگ را افزایش داده و از آن نترسیم



ابراهیم اخوی

در مورد مرگ خیلی از انسان‌ها مقاومت دارند. بر اساس روایات، علت این مقاومت‌ها گاهی ناآگاهی ماست؛ چون تصور می‌کنیم مرگ تلخ و به معنای تمام شدن است، مرگ یعنی منتقل شدن به وضعیتی دشوار. محدودنگری انسان‌ها باعث می‌شود رابطه‌شان با مرگ بد شود. بعضی اوقات غفلت آدم‌ها باعث می‌شود توجه‌شان به مرگ کم شود و هم تغییر کند. وقتی به انتهای مسیر زنده‌گی توجهی نداشته باشیم، تمام انرژی‌مان صرف ماندن در همین مسیر می‌شود. خیلی از ما از بس در وضعیت دنیایی مانده‌ایم و همت‌مان را صرف این دنیا می‌کنیم، اصلاً نمی‌خواهیم به مرگ فکر کنیم. در روایتی از حضرت علی (ک) داریم که «آدم‌ها خواب‌اند، وقتی می‌میرند، تازه بیدار می‌شوند». این جمله در مورد همین آدم‌هایی است که به مرگ نمی‌اندیشند و آن را پایان زنده‌گی می‌دانند. اتفاقاً کسانی که مرگ‌اندیشی ندارند، ممکن است زنده‌گی فعلی‌شان هم چندان خوش و هدف‌دار نباشد، به همین دلیل دچار خیلی از مشکلات روانی می‌شوند و با کوچک‌ترین مشکلی افسرده‌گی و اضطراب شدید را تجربه می‌کنند؛ درحالی‌که انسان معتقد می‌داند همه این مشکلات گذراست.

چه کنیم تا نگاه‌مان به مرگ تغییر کند؟

قدم اول در این راه، این است که شناختن مان را در مورد مرگ تغییر دهیم. مرگ بازگشت به آغوش خداست. کسی که کاملاً مورد توجه خداوند بوده، بعد از مرگ وضعیت بهتری خواهد داشت. با این دیدگاه، دیگر از فکر و صحبت درباره مرگ طفره نمی‌رویم.

می‌گویند وقتی شنیدی کسی از دنیا رفت، آیه «انا لله و انا الیه راجعون» را بخوانید. اگر از مرگ می‌ترسید و از حرف زدن در مورد آن طفره می‌روید، باید برای بهبود این دیدگاه تلاش کنید. یکی از راهکارها مطالعه، مراجعه به مشاورهای مذهبی و پرسش از کسانی است که در این زمینه مطالعه دارند و می‌توانند اطلاعات کاملی در اختیارمان قرار دهند. خیلی‌ها می‌گویند وقتی از کنار قبرستان رد می‌شوند، دل‌شان می‌گیرد. در حالی که اهل دل معتقدند رفتن به قبرستان چند درس به ما می‌دهد: (۱) هر چه و هر که باشیم، بعد از مدتی به اهل قبور می‌پیوندیم و مهلت زنده‌گی‌مان تمام می‌شود؛ (۲) اتفاقاً آن‌ها حیات واقعی را تجربه کرده‌اند، چون برای‌شان دیگر مرگی نیست و بازخورد رفتارها و اعمال‌شان را می‌بینند.

اما راه‌حل دیگر این است که ارتباط معنوی‌مان را با از دنیا رفته‌گان حفظ کنیم. در برنامه‌های دینی توصیه شده است علاوه بر زیارت قبور، به یادشان باشیم، خیرات و دعا را فراموش نکنیم و از خدا برای آن‌ها آموزش بخواهیم. ارتباط با کسی که قبلاً بوده و حالا نیست، تلنگری است برای این‌که انتقال برای همه است، در طول تاریخ کسی را نمی‌بینید که وضعیت انسانی و عمر جاوید داشته باشد.

در نهایت این‌که نگاه به مرگ می‌تواند دو گونه باشد: بدون دانش و با نادانی و ترس اضافی که در ما ترس و اضطراب ایجاد می‌کند؛ دوم، نگاه عاقبت‌اندیشانه که باعث می‌شود درست زنده‌گی کنیم. با این نگاه هم پویا خواهیم بود و هم آرام. علاوه بر این، از فکر و صحبت درباره مرگ طفره نخواهیم رفت.

بخش هجدهم

اندیشه‌های

سیاسی

در میان مسلمانان



عبدالحفیظ منصور

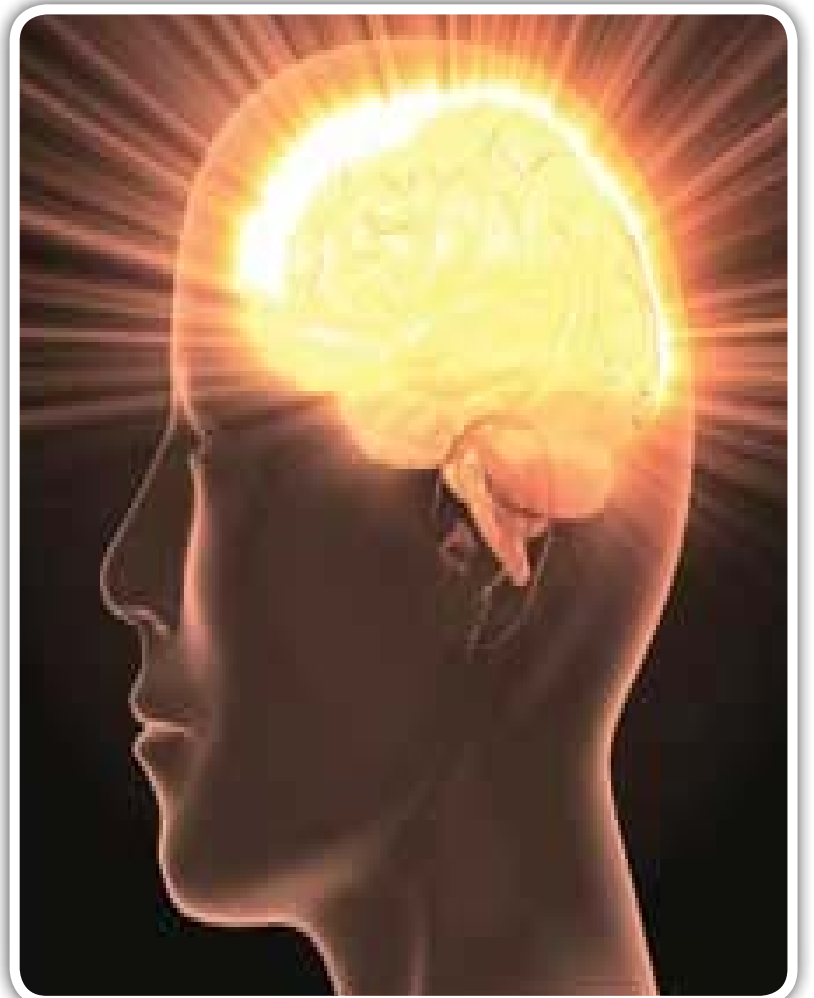
را کاری عبث می‌خواند، فکر اجتماعی و تلاش به مقصد بهترسازی حیات خود و جامعه را به هیچ می‌انگارد؛ زیرا کسان دیگری پنهان از دید مردم به نام اولیاءالله تدبیر امور جهان را در کف با کفایت خویش دارند.

اما گروه سوم که نادرند، شامل شیخ نجم‌الدین کبری و نظایر آن می‌شود. نجم‌الدین کبری در برابر حمله لشکر مغول در کنار مردم ایستاد، جنگید و شهید شد، با وجود آن‌که راه فرار و مهاجرت در برابر او باز بود. شاگرد وی به نام نجم‌الدین رازی راه متفاوتی اختیار ورزید، او نه مانند مرشدش در صف مقدم جنگ ایستاد و نه به سان بسیاری از مشایخ دیگر ملعبه لشکر مغول قرار گرفت و نه هم مانند شماری دیگر مردم خود را رها کرد و در دوردست‌ها به آواره‌گی با عافیت

گروه دوم از عارفان مسلمان بدین باورند که هیچ‌گاه زمین از وجود اولیاءالله خالی نمی‌باشد. آن‌چه از بهبودی اوضاع رونما می‌گردد، برف و بارانی می‌بارد و مصایب از زمین دفع می‌گردد، همه این‌ها به برکت ابدال، اوتاد، خلفا و اقطاب صورت پذیرد. خوارزمی در شرح فصوص‌الحکم چنین می‌نگارد:

«... سلطان‌المحققین ابو عبدالرحمن‌السلمی در تفسیر "و لقد اخذالله ميثاق بني اسرائيل و بعثنا منهم اثني عشر نقيبا" گفته است: ایشان طایفه‌یی‌اند که در وقایع و ضرورات و مصایب و بلیات، سایر طوایف را رجوع به ایشان باشد.

و از حضرت خواجه علیه الصلاة والسلام نقل می‌کند که گفت: در امت من همیشه چهل کس بر خلق ابراهیم باشند و این چهل کس بدرا اند، و هفت کس بر خلق



تن داد. نجم‌الدین رازی دو کتاب مهم "مرصادالعباد" و "مرموزات اسدی" را به یادگار نهاده است. او در این آثار، از آن‌چه بر مسلمان‌ها و سرزمین‌شان می‌رود، اظهار تشویش و نگرانی می‌دارد و می‌نویسد: "بوی آن می‌آید که یک‌باره‌گی مسلمانی برانداخته شود، با آن‌که اکثر بلاد اسلام برافتاد، این بقیعت نیز براندازند." (رازی، ۱۳۶۵: ۱۸)

نجم‌الدین رازی در پی پادشاهی می‌برآید

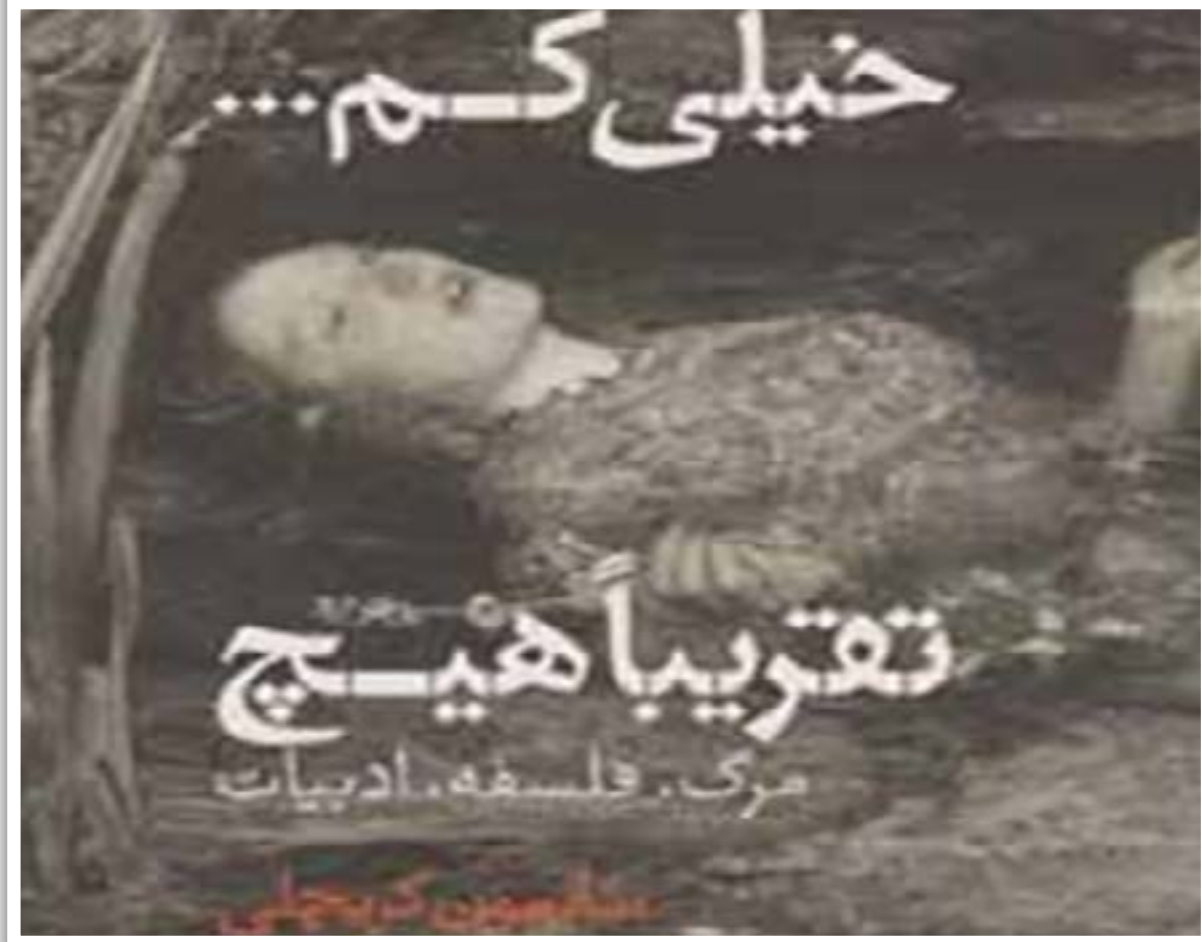
موسی باشند و ایشان اوتاد اند، و سه کس بر خلق عیسی باشند و ایشان خلفا اند، و یک کس بر خلق من باشد و او قطب باشد. پس ایشان به اندازه مراتب خویش سادات دین‌اند و سلاطین مملکت یقین که به برکت ایشان باران از آسمان آید و بلا از زمین خیزد و مردم به واسطه ایشان رزق یابند." (خوارزمی، ۱۳۵۷: ۳۳)

این طرز نگاه، کار و تلاش را بیهوده می‌شمرد، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

در زمان سلطنت جلال‌الدین محمد اکبر در نیم‌قاره هند، اساس آیین اکبری نهاده شد؛ آیینی سراپا آلوده به شرک و خرافات که قراد بود ریشه اسلام از آن دیار کنده شود و جایش به وسیله آیین جدید پر گردد. شیخ احمد سرهندی مشهور به مجدد الف ثانی (۱۰۳۴-۹۷۱) از عارفان نام‌دار، کارنامه‌یی از خود به یادگار گذاشت که سخن از شیوه‌یی تازه می‌گوید و سیمای متفاوتی از عرفان اسلامی به نمایش می‌گذارد. مجدد الف ثانی در میان مردم زیست، به احیای دین پرداخت، به مقصد پخش تعالیم اسلامی و پیش‌گیری از انحراف بیشتر سلطان از دایره دین، به دربار سلطان نزدیک گردید و از درون، مصدر خدمات ارزنده گردید. (بنگرید به: ندوی، ۱۳۸۳)

از آن‌چه گفته شد، به روشنی برمی‌آید که عرفان و تصوف نه تنها محیطی سازگار با سیاست و اندیشه سیاسی نبوده است، بل افزون بر آن، در تضاد و تقابل آشکاری با هم به سر برده‌اند. اگر کسانی از زمره صوفیان به امور اجتماعی پرداخته و یا در امر سیاسی دستی دراز کرده‌اند، از شریعت مدد جستند؛ ورنه در زمین تصوف، نهال سیاست جوانه نمی‌زند.

تقریباً هیچ «سایموم» در چیل... باید ادبیت در باره «خیل کم»...



امیر جلالی

سایمون کریچلی در «خیلی کم... تقریباً هیچ» با مروری انتقادی بر تصور معنای مرگ از رمانتیک‌های مکتب پنا گرفته تا نظریه‌پردازان فرانسوی معاصر بر آن است تا به پرسش خاصی پاسخ دهد. اما قبل از بررسی اجمالی پاسخ‌های متفاوت در بستر تحول تاریخی مفهوم مرگ، درک پرسش اهمیت بیشتری دارد.

برخلاف تصور رایج، ادبیات از عهده معنابخشیدن به زنده‌گی بر نمی‌آید. از این منظر ادبیات لحظه ملاقات زبان با اتفاقی به اسم مرگ است: «معنای نهایی تنهایی انسان این است که نمی‌توانیم سرانجام معناداری برای امر متناهی بیابیم. به این معنا مردن بی‌معنا است و در نتیجه سوگواری بی‌پایان است.» پس مسأله ناتوانی از قصدیت پدیدارشناختی در برخورد با مرگ است. در این‌که ما به‌سوی مرگ روانیم، شکی نیست. ولی به‌سوی مرگ رفتن، حاکی از تحقق یافتن یا به بیان درآمدن چیزی نیست. دامنه مفهوم مرگ در کتاب کریچلی وسیع‌تر از مرگ طبیعی است. می‌توان به تمایز هایدگری مرگ و وفات (یا فوت) متوسل شد. لازم به توضیح است که ساده‌ترین تلقی از مرگ هایدگری عبارت از آن است که مرگ یکی از امکان‌های هستی است. یا بهتر است بگوییم مرگ نوعی رفتار مشخص با امکان‌های فراهم‌آمده در هستی است. حال آن‌که وفات پدیده‌ی طبیعی است که میان انسان و غیرانسان مشترک است و در عرصه زنده‌گی روزمره با مشارکت دو گفتمان پزشکی و سیاسی به تأیید می‌رسد. فوت برخلاف مرگ، پدیده‌ی پزشکی-سیاسی (medicopolitical) است.

کریچلی در مقدمه‌ی مفصل، کتابش را با شعری از بودلر

آغاز می‌کند. در این مقدمه، ناامیدی را سرآغاز فلسفه می‌داند. سپس اشکال ناامیدی را تعریف می‌کند و معضل معنا در زنده‌گی مدرن را با مروری تاریخی پیش می‌کشد. از مقدمه کریچلی چنین برمی‌آید که از حوالی قرن نوزدهم به بعد، شرایطی پیش آمده است که مثل قبل نمی‌توان زنده‌گی معنادار و معنای زیسته را در کنار هم و با هم در نظر گرفت. مولف، سیر تحول این نگره را در منابع مختلف تفکر اروپایی از هگل و نیچه گرفته تا هایدگر و آدورنو تعقیب می‌کند.

در فصل اول به‌سراغ بلانشو می‌رود. در زبان بلانشو تمایز مرگ و وفات هایدگری شکل عوض می‌کند و جای خود را به تمایز مرگ و مردن می‌دهد. از منظر بلانشو، مرگ فقط غیاب بازنمایی و امکان بازنمایی است. اما این حکم درباره مردن صادق نیست. در این معنی، نوشتن یعنی تقبل به‌دوش کشیدن مرگ خود، که در کتاب نقطه تقاطع اندیشه‌های لویناس، باتای و بلانشو است. به همین مناسبت، لویناسی «ایلیا» طنین خاصی پیدا می‌کند: «فرد انباشت جسمانی شب را همچون هزاران زخم دردآلود نادیدنی در طول روز با خود می‌برد و چشم‌هایش در زیر پلک‌هایی افتاده، آرام می‌سوزند. ایده نو بلانشو، که در این کتاب به‌طور وسواس‌آلودی تکرار می‌شود، آن است که تجربه این شب، که تجربه مردنی نیرومندتر از مرگ است و لویناس آن را «ایلیا» می‌نامد، خاستگاه ناممکن شوقی است که بر نوشتار حکم می‌راند... به همین دلیل بلانشو نویسنده را «بی‌خواب روز» می‌نامد. (صص ۸۵-۸۴)

از بخش‌های خواندنی کتاب کریچلی، تشریح مفهوم «مرگ مضاعف» بلانشو است. از نظر بلانشو آدمی به محض این‌که

به توانایی خود بر مردن وقوف پیدا می‌کند، درست به‌خاطر همین وقوف یافتن امکان مرگ را از کف می‌دهد. به این ترتیب، مرگ به شکل ناممکنی تجلی می‌کند، اما همین تجربه برای نویسنده نیز اتفاق می‌افتد. نویسنده در حین نوشتن می‌کوشد خود را به شکل کسی به یاد بیاورد که در حال نوشتن است. از این بابت، نوشتن و مردن شبیه به هم‌اند. در حین نوشتن امکان‌ها نویسنده را فریب می‌دهند و او هیچ‌گاه در قلمرو خود صاحب قدرت یا اختیار نخواهد بود. علاوه بر این، مرگ را نمی‌توان بازنمایی کرد.

در گفتار دوم، کریچلی به سراغ میراث رمانتیک‌ها رفته است و تلقی لاکو-لابارت و ژان‌لوک نانسی را مجدداً به شکل سوال مطرح می‌کند: «ساده‌اندیشی رمانتیسم چیست؟» ولی این پرسش چه ربطی با مضمون اصلی کتاب دارد؟ کریچلی گام‌به‌گام برای ما شرح می‌دهد که پروژه اصلی رمانتیک‌ها، ادغام مجدد فلسفه و شعر بوده است. رمانتیک‌ها از این‌رو ساده‌اندیش‌اند که با هنر و یگانه‌سازی دوشقه‌گی‌های زنده‌گی مدرن در هنر و ادبیات می‌خواهند بر بحران نهیلیسم غلبه کنند. کریچلی سیر این تلاش تاریخی را از کانت تا شلینگ و برادران اشکل پی می‌گیرد. در کنار کوشش برای اتحاد مجدد جهان، سودایی سیاسی نیز مستتر است. کریچلی با رجوع به کارل اشمیت، تمایز عمل سیاسی و رمانتیسم سیاسی را مشخص می‌کند. خصلت رمانتیسم سیاسی که دولتی و تذبذب است، با وقوع وضعیت حاد سیاسی منهدم می‌شود و جای خود را به چیز دیگری می‌دهد. البته نویسنده در فصل مربوط به استلنی کاول نیز دوباره نسبت میان ادبیات و سیاست را مطرح می‌کند. اما در این گفتار دوم، مسأله اصلی تصویری از سیاست است که به هیچ منبع قدرتی

مد و مه / آبان ۱۳۹۳

سوزان ساتناگ

برگردان: پویا رفویبی

فلسفه همان اخلاق است

«اخلاقیات» به معنای

سنخی مزمَن و متمادی از رفتارها است (که عواطف و اعمال را در برمی‌گیرد).

اخلاقیات، اسم رمز کنش‌ها، داوری‌ها و احساس‌هایی‌ست که ما با محمل آن، به شیوه‌ی خاص، عادات کنشی خود را تحکیم می‌بخشیم، که با محمل آن معیاری تجویز می‌کنیم تا در قبال «عموما» آدمیان (یعنی همه آن‌هایی که در زمره آدمیان به‌حساب می‌آوریم) برحسب آن رفتار می‌کنیم یا می‌کوشیم که برحسب آن رفتار کنیم؛ چنان‌که انگار الهام‌بخش ما عشق است. چه حاجت به بیان که ما فقط با

معدودی از این‌ای بشر، حقیقتاً به عشق دچار می‌آییم، که با همان‌ها هم در واقعیت یا خیال از در آشنایی درمی‌آییم... هرگاه آثار هنری را به گزاره‌هایی به قصد مضمونی خاص تقلیل دهند و هرگاه اخلاقیات را با اخلاقیاتی خاص یکی بپندارند (و هر اخلاقیاتی، از قاذورات، از ارکانی خاص خودش برخوردار است، که جز حفاظت از منافع اجتماعی و ارزش‌های طبقاتی محدود کار دیگری نمی‌کند) - در این صورت می‌شود چنین پنداشت که آثار هنری در پی براندازی اخلاقیات است. در واقع، فقط در این صورت است که تمایزی تام میان زیبایی‌شناسی و اخلاق شکل می‌گیرد.

ولی اگر اخلاقیات را فقط «یک» اخلاقیات، به منزله تصمیمی جامع بر سر پاره‌های آگاهی فهم کنیم، پاسخ به اثر هنری، دقیقاً از این بابت که به شعور و آگاهی ما روح تازه‌ی می‌دهد، به جلوه «امری اخلاقی» درمی‌آید. زیرا ظرفیت ما برای انتخاب‌های اخلاقی از شعور ما تغذیه می‌کند و با ما کاری می‌کند تا برای کنش مهیا باشیم. فرض بگیرید که ما به انتخابی دست بزنیم که پیش‌نیاز مبادرت به عملی اخلاقی است و آن نه انتخاب که سرسپرده‌گی کورکورانه و سنسجیده‌ی بیش نباشد. هنر عهده‌دار چنین «اخلاقی» است؛ زیرا کیفیت‌های ذاتی تجربه زیبایی‌شناختی (بی‌غرضی، تعمق‌برانگیزی، هوشیاری، بیداری عواطف) و ابژه زیبایی‌شناختی (شکوه‌مندی، هوشمندی، بیان‌گری، سرزنده‌گی، خواننده‌گی) در عین حال مولفه‌های بنیادین واکنش اخلاقی به زنده‌گی نیز هستند.

در هنر، «محتوا» در حکم بهانه، غرض و سودایی بوده و هست که آگاهی را در چنبره فرآیندهای فرم-بنیاد دگرگونی گیر می‌اندازد. این است که ما با نیت خیر از آثاری به ذوق می‌آییم که برحسب محتوای‌شان، از منظر اخلاقی محل مناقشه‌اند. (به همین منوال، ستایش از اثری هنری مثل «کمدی الهی» که مفروضات آن با عقل جور در نمی‌آید، قرین با دشواری است.) یاد

کردن از شاهکارهای لنی ریفتشال، «پیروزی اراده» و «المپیاد»، به معنی دستاویزی ز بیای شناختی به سرپوش گذاشتن بر تبلیغات نازی‌ها نیست. بلکه در این فلم‌ها چیز دیگری در کار است که زبان از بیانش درمی‌ماند.

این فلم‌ها حرکت پیچ‌درپیچی از هوشمندی، شکوه‌مندی و خواهنده‌گی را نمایش می‌دهند. این دو اثر از ریفتشال (که در بین آثار هنرمندان نازیست بی‌نظیراند) از حد تبلیغات سیاسی یا حتا گزارش خبری فراتر می‌روند. و ما - با قاطعیت، هرچند به اکراه - «هیتر را می‌بینیم و نه هیتر را» و «المپیک ۱۹۳۶» را می‌بینیم نه المپیک ۱۹۳۶ را. به لطف نبوغ ریفتشال فلم‌ساز - گیریم که برخلاف مقاصد او - محتوا، نقشی را ایفا می‌کند که از

شرق / مد و مه آبان ۱۳۹۳

جنس فرم ناب است. اثر هنری تا آن‌جا که اثری هنری باشد - مستقل از نیات شخصی هنرمند - به هیچ‌روی جانب‌داری نمی‌کند. هنرمندان بزرگ به بی‌طرفی والایی نایل می‌آیند. به هومر و شکسپیر ببینیدشید که نسل اندر نسل فریخته‌گان و منتقدان به عبث در تفحص «بینشی»‌هایی خاص در باب طبیعت بشری، اخلاق و جامعه تن فرسوده‌اند. مجدداً به مورد ژنه رجوع می‌کنیم- هرچند در این فقره مستندات، مزید بر مطلبی است که من مد نظر دارم، زیرا نیات هنرمند معلوم است. چنین که برمی‌آید ژنه در نوشته‌های خود از ما می‌خواهد تا با خشونت، خیانت، لاقیدی و جنایت کنار بیاییم. اما تا مادامی که ژنه در کار ایجاد اثری هنری است، از هیچ‌چیز به‌جز اثر هنری جانب‌داری نمی‌کند. او به ثبت، بلع و تجلی تجربیاتش می‌پردازد. از قضا، در کتاب‌های ژنه او به‌صراحت نفس همین فرایند را دست‌مایه خود قرار می‌دهد. کتاب‌های او گذشته از این‌که آثار هنری است، آثاری در باب هنر نیز هست.

نگاه دوگانه امریکایی‌ها به طالبان

کاخ سفید روز پنجشنبه از تروریست نامیدن طالبان خودداری کرد؛ اما کنگره امریکا این موضع‌گیری کاخ سفید را مضحک خواند.

جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید، گفته بود «آنچه که باید به آن توجه داشت این است که باید بین طالبان و القاعده تمایز قابل شد.»

این چندمین بار است که کاخ سفید رویه مثبتی به طالبان نشان می‌دهد، اما این برای اولین بار است که کنگره امریکا در برابر آن واکنش نشان می‌دهد.

سخنگوی کاخ سفید، در حالی که از تروریست خواندن طالبان خودداری کرد، گفت که «طالبان تاکتیک‌هایی را به کار می‌برند که به تروریسم شباهت دارد. آن‌ها برای پیشبرد اهداف خود به حملات تروریستی روی می‌آورند.» او گفت که «طالبان یک سازمان خطرناک است.» سخنگوی کاخ سفید اضافه کرد که باید میان طالبان و القاعده تفکیک قابل شد.

اقدام کاخ سفید در تمایز قابل‌شدن بین القاعده و طالبان با واکنش مخالفان جمهوری خواه دولت امریکا مواجه شد. چارلز کراوتهامر، از مفسران محافظه‌کار طرفدار حزب

جمهوری خواه، گفت: «طالبان گردن انسان‌ها را می‌زند، به موترها حمله می‌کنند، موترهای بمب گذاری شده را در بازارها منفجر می‌کنند ولی کاخ سفید آن را یک گروه تروریستی نمی‌نامد. این امر بسیار مضحک است.»

اما شماری از تحلیل‌گران سیاسی امریکا، در واکنش به این اظهار نظر سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا گفتند که اقدام واشنگتن در متمایز دانستن القاعده و طالبان بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد بر ملاحظات سیاسی استوار است. این تحلیل‌گران به مذاکرات اخیر امریکا و طالبان برای آزادی یک عضو طالبان و یک سرباز امریکایی اشاره می‌کنند.

چند دسته‌گی در مورد طالبان در نهادهای مهم امریکایی این گمانه‌زنی را به وجود آورده است که امکان دارد امریکایی‌ها به توافقاتی با پاکستان در خصوص طالبان دست یافته باشد. این در حالی است که امریکا همواره اعلام کرده است با گروه‌های تروریستی مذاکره نمی‌کند.

اما تحلیل‌گران می‌گویند که امریکا با چنین رویکردی در برابر طالبان عملاً نبرد سیزده ساله خود را در برابر این گروه دهشت‌افکن زیر سوال قرار می‌دهد.

چگونگی کمک امریکا به...

که در شش سال گذشته سلسله‌یی از معلومات را در مورد برنامه ۶۵ میلیارد دلاری برای ایجاد نیروهای امنیتی افغانستان منتشر کرده است. این اطلاعات نشان می‌داد که چگونه پول مالیه دهنده‌گان امریکایی مصرف می‌شود و پولیس و ارتش افغانستان در چه وضعیتی اند.

جان ساپکو، بازرس کل ایالات متحده امریکا برای بازسازی افغانستان، از این تغییر موضع پنتاگون ابراز ناامیدی کرد و گفت که درجه بندی این اطلاعات به «معلومات خیلی محرمانه» بی‌سابقه است.

ساپکو، رییس اداره بازرسی کل بر بازسازی افغانستان (سیکار) گفت این تصمیم باعث می‌شود که نتواند در مورد بخش زیادی از ۶۵ میلیارد دالر پول مالیه دهنده‌گان امریکایی برای ایجاد، آموزش، تجهیز و تداوم نیروهای امنیتی افغانستان آشکارا گزارش دهد. جنرال جان کمپبل، فرمانده نیروهای امریکایی در

افغانستان از این تصمیم پنتاگون دفاع کرد و گفت که نشر این اطلاعات که شامل بررسی آمادگی جنگی نیروهای افغانستان است، می‌توانست به شورشیان طالبان کمک کند و به این دلیل، ضروری است که سری نگهداری شود.

جان کمپبل به تاریخ هجدهم جنوری در نامه‌یی به جان ساپکو نوشته است: «با توجه به این‌که به صورت واقعی خطرات جانی وجود دارد، مطمئن هستم که شما در تایید این مساله با من موافق خواهید بود که ما در دادن معلومات به کسانی که نیروهای ما و نیروهای افغانستان را تهدید می‌کنند، باید محتاط باشیم؛ به ویژه اطلاعاتی که گروه‌های مخالف می‌توانند با استفاده از آن حملات خود را شدت ببخشند.»

معلومات راجع به برنامه کمکی ایالات متحده مقیاس کلیدی برای ارزیابی موثریت تلاش‌های زیر رهبری امریکا برای تقویت نیروهای امنیتی افغانستان فراهم می‌کرد و برخی از این اطلاعات کمبودهای ارتش ملی افغانستان را برملا می‌ساخت.

۹ نامزدوزیر از فیلتر...

فقط برای ۱۸ وزیر و یک رییس پیشنهادی انجام شد. سایر افراد کابینه یا به دلیل دو تابعیت بودن یا به دلیل عدم تأیید مدارک تحصیلی توسط مجلس نماینده‌گان از روند باز ماندند.

در نشست روز چهارشنبه مجلس برخلاف سایر روزها، اکثر اعضای مجلس نماینده‌گان حضور داشتند و تعداد نمایندگان حاضر ۲۴۳ نفر بودند. با توجه به قانون نصف + یک، فردی که ۱۲۲ رأی اعتماد دریافت می‌کرد، می‌توانست به کرسی وزارت تکیه کند بنابراین مرز راهیابی به کابینه ۱۲۲ رأی اعتماد بود.

نمایندگان مجلس، از ۱۹ فردی که دولت پیشنهاد کرده بود، به ۹ تن رأی اعتماد و به ۱۰ تن رأی عدم اعتماد دادند.

از بین ۱۸ وزیر و رییس پیشنهادی امنیت ملی، ۱۰ تن آنان تحت حمایت عبدالله و ۹ تن تحت حمایت غنی بودند. پنج تن از افراد معرفی شده توسط عبدالله رأی آورده و ۴ تن از افراد معرفی شده توسط غنی رأی اعتماد به دست آوردند.

در این بین دو تن از وزرای مهم تیم اصلاحات و همگرایی، صلاح‌الدین ربانی وزیر امور خارجه و نورالحق علومی وزیر امور داخله توانستند از سد مجلس نماینده‌گان بگذرند و از افراد تیم تحول و تداوم، رحمت‌الله نبیل رییس امنیت ملی و اکلیل حکیمی وزیر مالیه موفق شدند رأی اعتماد مجلس نماینده‌گان را به‌دست آورند اما شیر محمد کریمی وزیر پیشنهادی دفاع ناکام ماند.

از حاشیه‌های این مجلس، به کار بردن واژه «یک کم چهل» به جای عدد چهل بود. عضو دبیرخانه هنگام شمارش گاهی به جای عدد ۳۹ از این واژه استفاده می‌کرد که در میان کاربران افغانستانی شبکه‌های اجتماعی بازتاب وسیعی داشت.

پس از پایان جلسه، رییس مجلس نماینده‌گان آغاز تعطیلات زمستانی را اعلام کرد. با این تفصیل، دولت وحدت ملی شش هفته تا معرفی وزرای جدید وقت خواهد داشت. بنابراین ۱۷ وزیر و رییس بانک مرکزی افغانستان بعد از تعطیلات زمستانی مجلس نماینده‌گان معرفی خواهند شد.

پیش از شمارش آراء برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی

به گفته تحلیل‌گران، هر گروهی که به خون انسان کوچکترین بهایی قابل نباشد و با حملات مرگبار انتحاری ده‌ها هزار نفر را کشته باشد، تروریست است؛ گروهی که به تمامی موازین انسانی پشت پا زده و به حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق زنان، حقوق مذاهب، به انتخابات و ... باور ندارد و از راه جنگ، خشونت و تندروی اهداف خود را دنبال می‌کند، دهشت‌افکن و تروریست است.

این در حالی مطرح می‌شود که وزارت خزانه‌داری امریکا تحریم‌هایی را علیه حدود دو هزار نفر از اعضا، فرماندهان و طرفداران طالبان وضع کرده است. این‌که چرا نگاه امریکایی‌ها به طالبان تغییر کرده است، پرسشی است که تا اکنون به آن پاسخی ارائه نشده است.

طالبان همواره گفته‌اند که با القاعده و شبکه تروریستی حقانی متحد استند و به گونه مشترک اهداف‌شان را دنبال می‌کنند.

اخیراً رهبر القاعده نیز از اتحادش با طالبان و به ویژه ملا عمر یاد کرد.

اما پیشتر از این‌ها امریکایی‌ها گفته بودند که دیگر از هدف قراردادن ملا عمر در صورتی‌که نیروهای امنیتی افغانستان و امریکایی‌ها را هدف قرار ندهد، دست بر می‌دارند.

موضع‌گیری‌های انعطافی کلان‌ترین مرجع امریکا در برابر طالبان، به روند مبارزه با تروریسم زیان‌بار تمام می‌شود.

گزارش‌های بازرس کل ایالات متحده امریکا در مورد وضعیت این برنامه کمکی، مشکل «فرسایش» نیروهای امنیتی افغانستان را برجسته کرده است که شمار زیادی از جذب شده‌ها در میدان جنگ جان داده اند یا صغوف‌شان را ترک کرده اند.

تصمیم به نگهداری سری این معلومات سوال‌هایی در رابطه به وضعیت نیروهای امنیتی افغانستان بعد از خروج اکثر نیروهای بین‌المللی خلق می‌کند. حدود ۱۲ هزار نیروی خارجی که اکثراً امریکایی هستند برای آموزش و مشوره دهی نیروهای امنیتی افغانستان در این کشور باقی مانده اند.

قانونگذاران امریکایی از سری نگهداشتن این اطلاعات انتقاد کرده و گفته اند که این تصمیم تلاش‌ها برای پاسخگویی حکومت در پروژه‌های بازسازی در افغانستان را تضعیف می‌کند. سناتور کلایر مک کاسکیل، عضو کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای امریکا گفت که این اقدام برای تلاش آن‌ها برای ریشه کن کردن ضایعات و سوءاستفاده زیان آور است.

رأی اعتماد، ۱۳۱ رأی منفی، ۸ رأی باطل و ۱۹ رأی ممتنع نتوانست به کرسی وزارت تکیه زند.

سید حسین عالمی بلخی وزیر پیشنهادی وزارت مهاجرین با ۱۲۹ رأی اعتماد، ۸۷ رأی منفی، ۵ رأی باطل و ۱۷ رأی ممتنع نتوانست اعتماد نمایندگان مجلس را کسب نموده و به مجلس نماینده‌گان راه یابد.

داوودشاه صبا وزیر پیشنهادی وزارت معادن با ۱۴۵ رأی اعتماد، ۷۴ رأی منفی، ۱۰ رأی باطل و ۱۳ رأی ممتنع و نصیراحمد درانی وزیر پیشنهادی وزارت توسعه روستایی با ۱۴۵ رأی تأیید، ۷۱ رأی منفی، ۵ رأی باطل و ۱۹ رأی ممتنع نتوانست به کابینه راه یابند.

عبدالرحمان صلاحی وزیر پیشنهادی وزارت انرژی و آب با ۱۰۶ رأی اعتماد، ۱۰۹ رأی منفی، ۲۴ رأی ممتنع و ۴ رأی باطل نتوانست اعتماد نمایندگان مجلس را کسب کند.

سردار محمد رحیمی وزیر پیشنهادی وزارت تجارت و صنایع با ۱۱۱ رأی اعتماد، ۹ رأی منفی، ۲۰ رأی ممتنع و ۱۰۲ رأی باطل نتوانست به کابینه راه یابد. او را جوانترین عضو کابینه پیشنهادی عنوان می‌کردند و بسیاری در شبکه‌های اجتماعی برای او کمپین می‌کردند.

فیض محمد عثمانی وزیر پیشنهادی وزارت حج و اوقاف با ۱۶۰ رأی اعتماد، ۶۱ رأی منفی، ۵ رأی باطل و ۱۷ رأی ممتنع به کابینه راه یافت.

فیض‌الله ذکی وزیر پیشنهادی وزارت ترانسپورت با ۸۱ رأی اعتماد، ۱۳۳ رأی منفی، ۴ رأی باطل و ۲۵ رأی ممتنع نتوانست به کابینه راه یابد.

قمرالدین شینواری وزیر پیشنهادی اقوام و قبایل با ۱۰۲ رأی اعتماد، ۱۱۲ رأی منفی، ۷ رأی باطل و ۲۲ رأی ممتنع نتوانست اعتماد نمایندگان را کسب کند.

نکته بحث‌برانگیز در رأی‌گیری مجلس این بود که اکثریت وزرای‌که در نتیجه رأی‌گیری مجلس ناکام ماندند، متعلق به اقوام هزاره و ازبیک بودند. این مسأله واکنش‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. به ویژه هزاره‌ها و ازبیک‌ها مدعی بودند که در برابر آنها نماینده‌گان مجلس تبعیض‌آمیز برخورد کرده است.

اکنون یک سوم کابینه دولت وحدت ملی که توسط مجلس نماینده‌گان تأیید شده، قانونی است و دو سوم دیگر باید پس از پایان تعطیلات به مجلس نماینده‌گان معرفی شود.

زندانیان آزاد شده طالبان...

است. ما در همین جا و با اطمینان کامل می‌توانیم بگوییم که این شبه نظامیان بار دیگر جنگیدن را از سر خواهند گرفت. وی خاطر نشان ساخت: برخی شبه نظامیان شبکه حقانی با آنها ملاقات کرده اند و این پنج شبه نظامی طالبان با افرادی در افغانستان در ارتباط هستند. با این حال گراهام که عضو کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای امریکا است گفت که این پنج نفر همگی در قطر هستند.

وی تصریح کرد: نگران بودم که یکی از آنها خاک قطر را ترک کرده است اما مقامات قطری به من گفتند که آنها هنوز در قطر هستند.

بلخ الکوی برای...

بزرگ یاد کرد و به دوستی پایدار هردو کشور تاکید ورزید.

آقای نور در بخش دیگری از صحبت‌هایش با جنرال کمپل، به نا امنی‌های ولایات شمال و شمال شرقی کشور اشاره نموده، خواهان همیاری نیروهای جهانی در بهبود امنیت این ولایات گردید و بی توجهی به آن راه، آسیب زا و پر خطر برای ولایات امن خواند.

در پایان دیدار، جنرال کمپل، نقش پاکستان را در مبارزه با تروریسم مهم و ارزشمند خواند و از تأمین روابط میان ارتش هردو کشور خبر داده، بر گسترش این روابط تاکید کرد.

فرمانده عمومی نیروهای جهانی، نگرانی آقای نور را از بابت نا امنی‌های شمال، قابل دقت خوانده، برای کمک به بهبود امنیت این ولایات وعده همکاری سپرد و همچنین حمایت خود را از طرح‌ها و نظریات آقای نور و کمک به عملی سازی آن، سپرد.

در پایان، تندیس خداوند گار بلخ (مولانا) از سوی والی بلخ به فرمانده عمومی نیروهای ائتلاف جهانی اهدا گردید که با کمال سپاس پذیرفته شد.

مجلس، دروازه‌های شوراها...

دسترس به مردم است و به گفته وی اعضای شورای ملی بنابر مصروفیت‌هایی که دارند به ماه‌ها نمی‌توانند به ولایات خود سفر کرده و به مشکلات مردم رسیده‌گی کنند.

تصمیم رییس جمهور، نه پارلمان

در همین حال، عبدالرووف ابراهیمی رییس مجلس نماینده‌گان، روز چهارشنبه گفت که قبلاً پارلمان افغانستان صلاحیت نظارت را طبق همین قانون به شوراهای ولایتی داده بود؛ اما رییس جمهور افغانستان دادن حق نظارت به شوراهای ولایتی را رد کرده و این قانون را دوباره جهت تصویب به پارلمان فرستاد.

به سلسله این اعتراضات، اعضای شورای ولایتی بامیان دیروز دروازه شورای ولایتی آن ولایت را بستند و به گفته طیبه خاوری رییس این شورا، تا زمانی که حق نظارت به شوراهای ولایتی باز داده نشود این دفتر مسدود خواهد بود. همچنین اعضای شوراهای ولایتی حوزه غرب -هرات، بادغیس و غور- از روز چهارشنبه به این طرف، دفاتر شوراهای ولایتی آن ولایت‌ها را مسدود کردند.

اعضای شوراهای ولایتی به حکومت یک هفته وقت داده اند تا قانون جدید تجدید نظر شده و حق نظارت به نماینده‌گان شوراهای ولایتی دوباره داده شود.

نماینده‌گان همچنان هشدار داده اند که در صورت نادیده گرفته‌شدن خواست‌های شان، به حرکت‌های مدنی گسترده‌تری دست خواهند زد.

از سوی دیگر، دبیر شورای ولایتی کابل گفت که تا روز جمعه (دیروز) روسای شوراهای ولایتی ۳۴ ولایت با یک یک نماینده، به کابل خواهند آمد و پس از تشکیل جلسه و گفت‌وگو، فیصله‌های‌شان را در این مورد اعلان خواهند کرد.

این درحالی است که اعضای شورای ملی افغانستان به رخصتی‌های زمستانی رفته‌اند و معلوم نیست که حکومت افغانستان به تقاضای شوراهای ولایتی چه پاسخ خواهد داد. به اساس قانون نماینده‌گان شوراهای ولایتی، نقش پل ارتباط میان مردم و حکومت را دارند و موظف اند که مشکلات مردم را بررسی کرده و آن را برای یافتن راه حل به حکومت پیشکش کنند.

معارف افغانستان در سیزده سال گذشته



روح الله بهزاد

افغانستان کشوری است که با پایین ترین درجه سواد، مشکلات بزرگی را در بخش معارف تجربه می کند و تأثیرات زیادی بر پیشرفت کشور بر جا می گذارد؛ اما، سیزده سال پس از سقوط رژیم طالبان، معارف افغانستان در وضعیت بهتری به سر می برد. هرچند کاستی هایی نیز در این روند، به چشم می خورد.

بعد از به میان آمدن روند جدید دولت داری در سال ۲۰۰۱، ۳۴۰۰ مکتب، فعال بود که ۲۰ هزار آموزگار، یک میلیون شاگرد را - که همه پسر بودند - در این مکاتب تدریس می کردند.

وزارت آموزش و پرورش، در ابتدای سال ۹۳، اعلام کرده بود که در سال های گذشته ۵ میلیون نفر از نعمت سواد بهره مند شده اند.

مسئولین در وزارت معارف گفته اند، از جمله ۱۲ میلیون افراد بی سواد در کشور، اکنون این رقم به هفت میلیون تنزیل یافته و سالانه برای نیم میلیون افغانستانی زمینه سوادآموزی، فراهم شده است.

برپایه معلومات این وزارت امسال نیز ۷۹۶۰۰۰ شاگرد در ۳۱۸۴۰ باب کورس و ۷۸ مکتب سواد حیاتی مصرف آموزش سواد حیاتی می باشند.

در کنار ساختن مکاتب دولتی، وجود مکاتب خصوصی، یکی از دست آوردهای وزارت معارف گفته شده است، این مکاتب در شهر کابل و شماری از ولایات مصرف عرضه دانش به دانش آموزان اند و کسانی که اقتصاد خوبی دارند فرزندان شان را به این مکاتب می فرستند. اکنون در مکاتب خصوصی افغانستان امکانات ترانسپورتی، تدریس کمپیوتر و زبان انگلیسی نیز وجود دارد. اما با وجود این همه امکانات، نارضایتی هایی نیز از این مکاتب در مورد اخذ فیس های بلند و نیز ارایه خدمات ناکافی به چشم می خورد.

وزارت معارف در تازه ترین مورد، ده باب مکتب خصوصی را به خاطر برلبر نبودن معیار تدریس، مسدود کرد و به دیگر مکاتب خصوصی هشدار داد که شیوه تدریس شان را معیاری سازند.

کیفیت معارف هنوز هم به عنوان یک چالش بزرگ باقی مانده است. مکاتب از امکانات و وسایل لازم از قبیل آب، تشناب، کتابخانه و لابراتوارهای ساینسی برخوردار نیستند. بسیاری از دانش آموزان

کتاب های درسی ندارند و توسط معلمینی تدریس می شوند که فاقد تحصیلات عالی هستند.

در مجموع صنف ها بزرگ و بار می باشند و شاگردان در یک روز در چند وقت از یک صنف استفاده می کنند. بعضی از مناطق فاقد مکاتب دخترانه هستند، به ویژه نبود امنیت مانع رفتن دختران به مکتب می شود.

در سال های گذشته صدها میلیون دالر برای بهبود وضعیت معارف مصرف شده؛ اما، به خاطر اختلاس و فساد اداری، که در این وزارت حاکم است رشد قناعت بخشی نداشته است.

در شماری از مناطق دوردست حتا ساختمان مکتب وجود ندارد و دانش آموزان زیر خیمه ها درس می خوانند.

از سوی دیگر، شماری از مکتب های دوردست کشور، به ویژه در ولایت های هلمند، بامیان، نورستان، دایکنندی، غزنی، بدخشان و غور دچار کمبود معلمان مسکلی هستند. گفته می شود که در این مکتب ها علمای دینی مضامین علوم طبیعی و ساینسی، از جمله بیولوژی، کیمیا، ریاضی، فزیک و هندسه را تدریس می کنند.

شماری از شاگردان و معلمان مکتب ها باور دارند، وزارت معارف در ۱۳ سال گذشته برای حل این مشکل برنامه دقیق و کارایی نداشته است. آنان از سران دولت وحدت ملی خواسته اند، برای حل مشکلات ذکر شده، برنامه های دقیق و مشخص را روی دست گیرند، تا وضعیت معارف در کشور بهبود یابد.

عدم موجودیت امنیت، سنتی بودن جامعه، خصومت های شخصی، خشونت ها در بسیاری از ولایات، سبب شده است تا روند آموزش و پرورش کشور با مشکلات مواجه گردد. هم چنین حمله بر شاگردان و آموزگاران، سوزاندن و مسدود شدن مکاتب، بهره برداری سیاسی از اهل معارف و شاگردان در محافل رسمی، استفاده نظامی از مکاتب به عنوان سنگر جنگ از سوی نیروهای نظامی داخلی و خارجی و مخالفین دولت، از جمله مواردی اند که بر روند تعلیم و تربیه، تأثیرات بس منفی را برجا گذاشته اند.

در جریان یک ماه گذشته، وزارت معارف از مسدود شدن بیش از ۵۰۰ مکتب به دلیل ناامنی در شماری از ولایت کشور خبر داده و اعلام کرد، که در حال حاضر ۲۵۰ هزار دانش آموز از تعلیم و تربیه محروم شده اند. مقامات وزارت معارف به رسانه ها گفته اند که ۵۳۰ مکتب در اثر ناامنی ها در سراسر کشور مسدود شده اند.

به گفته آنان، این مکتب ها بر اثر ناامنی ها در ۷۰ ولسوالی کشور مسدود شده اند. این مقامات گفته اند که در سال های گذشته در بیش تر مواقع کارمندان وزارت معارف، قربانی ناامنی ها شده اند. در هفت سال گذشته در رویدادهای مختلف انفجاری و انتحاری در سرتاسر کشور، بیش از ۴ هزار کارمند معارف کشته و زخمی شده اند.

مقامات وزارت معارف افغانستان هم چنان گفته اند که در سال های گذشته شمار زیادی از شاگردان مکتب ها در حملات انتحاری و انفجاری کشته شده اند. در حال حاضر بیش از ۷۰ ولسوالی در تمام کشور در حلقه خط سرخ قرار دارند و در این ولسوالی ها جنگ ادامه دارد که اکثر مکتب ها در ولایت های هلمند، قندهار و ولسوالی ناوهی غزنی مسدود شده اند.

با همه این وجود مقامات در وزارت معارف می گویند وضعیت معارف هر سال نسبت به سال دیگر بهتر می شود.

عباس:

سیاست های اسرائیل فرصت تحقق صلح را در منطقه از بین می برد



رییس تشکیلات خودگردان فلسطین ضمن محکوم کردن حملات افراد مسلح به شمال سیناء در مصر تصریح کرد: سیاست های اسرائیل فرصت های تحقق صلح در منطقه را از بین می برد.

به گزارش پایگاه خبری بوابه الاهرام، محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین در جلسه افتتاحیه نشست سران آفریقا ضمن محکوم کردن حملات افراد مسلح به شمال سیناء در مصر گفت: ما همگی از مصر در مبارزه با تروریسم حمایت می کنیم و من اطمینان دارم که مصر در مبارزه با تروریسم پیروز خواهد شد.

عباس خاطر نشان کرد: کنفرانس سران آفریقا دارای مسائل اساسی و از جمله صلح، امنیت و مبارزه با تروریسم و خشونت است. وی دستاوردهای آفریقا در زمینه حقوق زنان

را و حمایت اتحادیه آفریقا از مردم فلسطین برای تشکیل کشور مستقل را ستود.

عباس ضمن محکوم کردن سیاست های رژیم صهیونیستی اعلام کرد: سیاست های اسرائیل فرصت های تحقق صلح در منطقه را از بین می برد.

انفجار در مسجدی در جنوب پاکستان

با ۷۰ کشته و زخمی



منابع پولیس که خواست نامشان فاش نشود، گفت که این انفجار انتحاری بوده و ساعت یک و سی دقیقه ظهر (به وقت محلی) رخ داد.

این بمب گذاری زمان برگزاری نشستی با حضور نواز شریف، نخست وزیر این کشور در کراچی رخ داد.

شریف ضمن محکوم کردن این بمب گذاری خواستار ارائه گزارشی در این خصوص شد. وی از نهادهای ذی ربط خواست تا شرایط مناسبی را برای درمان مجروحان فراهم کنند. هنوز هیچ کس مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است.

رسانه های پاکستان از وقوع انفجاری در جنوب پاکستان خبر دادند که در این انفجار تاکنون ۲۰ تن کشته و ۵۰ تن دیگر زخمی شدند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، این انفجار روز جمعه در یک مسجد شیعیان در منطقه شیکارپور در جنوب پاکستان رخ داد. شبکه اردو زبان محلی «آری» به نقل از



تیم ملی کرکت، عازم استرالیا شد



تیم ملی کرکت بورد افغانستان برای نخستین بار به مسابقات جام جهانی ۵۰ آوره کرکت، پنجشنبه عازم کشور استرالیا شد.

شفیق الله استانکزی، رییس اجرایی کرکت بورد در نشست خبری گفت که تیم ملی کرکت پس از مسابقات جام جهانی، ۲ مسابقه تمرینی با کشورهای هندوستان و امارات انجام می دهد. وی افزود که در مسابقات جام جهانی، اولین بازی رسمی افغانستان با کشور بنگلادیش آغاز می شود. گفتنی است که جام جهانی کرکت ۲۰۱۵

به تاریخ ۱۴ ماه فروری آغاز می شود و کشورهای استرالیا و زیلاند جدید میزبان این دوره از رقابت ها است. چندی قبل، تیم ملی کشور با پیروزی در مقابل تیم های آسیایی جواز حضور در مسابقات جام جهانی را به دست آورد. پیش از این، بازیکنان تیم ملی کرکت برای آماده شدن در جام جهانی، چهار مسابقه دوستانه با تیم های ملی کرکت ایرلند و اسکاتلند در کشور امارات متحده عرب انجام داد که در آن تیم ملی کشورمان، دو پیروزی و دو شکست را از آن خود کرد.

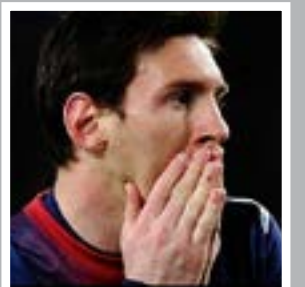
لوئیس فیگو هم رقیب بلاتر شد

لوئیس فیگو برای انتخابات ریاست فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) نامزد می شود. کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال پرتغال امروز اعلام کرد که برای ریاست فیفا در انتخابات دوره جدید این کنفدراسیون نامزد خواهد شد. فیگو امروز در پیامی که در صفحه شخصی اش در یکی از شبکه های اجتماعی گذاشت، نوشت: خوشحالم از اینکه اعلام کنم در انتخابات ریاست فیفا نامزد خواهم شد. فوتبال در طول زندگی چیزهای زیادی به من داده است اما می خواهم فضای دیگری را هم تجربه کنم. ستاره سابق فوتبال پرتغال یکی از چند نامزدی است که در روزهای گذشته علاقه خود را به این پست و حضور در انتخابات ریاست فیفا که روز ۲۹ مه در کنگره فیفا و با حضور ۲۰۹ عضو این کنفدراسیون برگزار می شود، اعلام کرده است.

فیگو در این رابطه به CNN گفت: من به فوتبال اهمیت می دهم. بنابراین از تصویری که مربوط به فیفا است چه اکنون و چه در سال های گذشته، خوشم نمی آمده. اگر شما نام FIFA را در اینترنت جست و جو کنید نخستین کلمه ای که ظاهر می شود رسوایی است. این نخستین چیزی است که ما باید آن را تغییر دهیم و باید برای تغییر نگاه ها به فیفا تلاش کنیم. فوتبال استحقاق بیشتر از این ها را دارد. من تاکنون با آدم های مهمی در فوتبال از جمله مربیان، بازیکنان و روسای فدراسیون ها صحبت کرده ام. همه آنها فکر می کنند که باید کاری در این زمینه انجام شود.



فاش شدن اختلاف مسی و انریکه به دست متیو



مدافع بارسلونا از اختلافی که بازیکن و سرمربی بارسلونا داشتند پرده برداشت. ژرمنی متیو که در تابستان گذشته به بارسلونا پیوسته است در گفت و گویی اعلام کرده بین لیونل مسی و لوئیس انریکه اختلاف هایی در یکی از جلسه های تمرینی به وجود آمده است. وی گفته که از این دست اختلاف ها در هر تیمی به وجود می آید اما چون اینجا بارسلونا است، همواره همه چیز بزرگ نمای می شود. متیو در این زمینه گفت: به تازه گی توانسته ایم از برخی مشکلاتی که در بارسلونا به وجود آمده بود بیرون بیاییم. اختلاف هایی بین مسی و انریکه وجود داشت. از این دست اختلاف ها بین هر مربی و بازیکنی به وجود می آید. اتفاق خوب این بود که انریکه می دانست چطور باید این موضوع را حل کند. اکنون همه چیز در حالت طبیعی خود قرار دارد. پیروزی های خوبی هم در زمان های خوب به دست آوردیم که کمک زیادی برای بازگشت به دوران خوبمان داشت. متیو در واکنش به سوالی که چه اتفاقی بین انریکه و مسی رخ داده بود عنوان کرد: یک جلسه تمرینی در آغاز ماه بود، درست پس از تعطیلات کریسمس. خطایی روی مسی رخ داد

Mandegar

فرمانده عمومی نیروهای خارجی:

بلخ الگویی برای کل افغانستان است



توصیف کرد.

جنرال کمپل همچنین از وضعیت خوب معارف و باز بودن مکاتب در شمال به نیکی یاد کرد و تاکید ورزید که باید این تجربه خوب به عنوان یک نمونه در سایر ولایات افغانستان، عملی شود.

فرمانده عمومی نیروهای جهانی در افغانستان، عطا محمد نور را رهبری محبوب و با نفوذ در سطح افغانستان خوانده است.

سپس والی بلخ در حالی که از دیدگاه‌ها و نظریات فرمانده عمومی نیروهای ائتلاف جهانی به قدر دانی یاد کرد، تمرکز روی تجهیز و تمویل نیروهای امنیتی را از اولویتهایی خواند که باید مورد توجه قرار گیرد. رئیس عمومی شورای اجرائیه جمعیت اسلامی، طرح پروژه‌های انکشافی و زیربنایی را از مواردی خواند که

فرمانده عمومی نیروهای خارجی در کشور، در دیدار با عطا محمد نور والی بلخ گفته است که به لحاظ توسعه و بازسازی، بلخ الگویی برای کل افغانستان است. جنرال کمپل فرمانده عمومی نیروهای ائتلاف جهانی در افغانستان روز پنجشنبه درحالی که جنرال بریر فرمانده استخبارات، مت شورمن مشاور سیاسی، فرنک رییس دفتر نیروهای ائتلاف و جنرال کانت فرمانده نیروهای آلمانی و نیروهای ائتلاف در شمال او را همراهی می‌کردند، به دیدار عطا محمد نور والی بلخ رفت.

براساس خبرنامه ولایت بلخ، فرمانده عمومی نیروهای ائتلاف جهانی در افغانستان، بلخ را از ولایت‌های انکشاف یافته و الگو در سطح افغانستان خواند و از آقای نور خواست که تجربیات مدیریت موفق ولایت بلخ را برای سایر ولایات نیز شریک سازد.

جنرال کمپل ضمن توضیح ختم مأموریت آیساف در افغانستان، از تغییر مأموریت نیروهای جهانی تحت نام مأموریت حمایت قاطع یا RS یاد کرده، تمرکز بیشتر این مأموریت را حمایت از سکتور امنیتی و قسما وزارت مالیه دانست و در عین حال ظرفیت‌سازی و حمایت از قول اردوها و نیروهای ویژه عنوان کرد.

جنرال چهار ستاره امریکایی، اعضای ائتلاف جهانی در افغانستان را مشمول چهل کشور خواند و نقش آلمان را در این میان، در شمال کشور، برجسته و ارزشمند

در کنار کمک به امنیت، اشتغال‌زایی را به بار می‌آورد و زمینه سربازگیری طالبان را مانع می‌شود. آقای نور تصریح کرد که طالبان در ذهنیت مردم کوبیده شده اند و دیگر جایگاهی ندارند و حالا تلاش می‌ورزند که با نام و بیرق جدید و از آدرس داعش وارد صحنه شوند که باز هم هیچ پذیرشی برای آنها وجود ندارد. آقای نور به بهبود پالیسی کادری در سکتور امنیتی اشاره کرده، گمارش افراد با تجربه و تحصیل کرده جوان را در سطوح رهبری نیروهای امنیتی امر مهم و عامل تغییر در وضعیت و پالیسی‌ها خوانده، تاکید کرد که نیروهای جهانی باید بیشتر روی کادر جوان مجرب و تحصیل کرده، تمرکز نمایند.

والی بلخ همچنین به مساله بهبود روابط افغانستان با جهان، به ویژه کشورهای منطقه و همسایه اشاره کرده، تصریح کرد که نباید در روابط مان با همسایه‌ها و منطقه، افغانستان به عنوان ابزار مورد استفاده قرار گیرد، بر عکس افغانستان به عنوان یک کشور مستقل روابط نیک و وسیع با تمامی همسایه‌ها، به ویژه با کشور دوست و برادر جمهوری اسلامی پاکستان داشته باشد. این روابط در همه زمینه‌ها، به ویژه در امر مبارزه با هراس‌افگنی که هر دو کشور مورد تهدید آنست، استوار و متکی به منافع هر دو طرف باشد. آقای نور از نقش پاکستان در مبارزه با تروریسم و بهبود امنیت در افغانستان به عنوان عامل... ادامه صفحه ۶

۴۶ درصد مردم:

امریکایی‌ها باید بمانند

چهل شش درصد مردم افغانستان، خواهان نقش بیشتر ایالات متحده امریکا و تعهد بیشتر این کشور، نسبت به برنامه‌های از پیش تعیین شده‌اند.

این مطلب در یک همه‌پرسی مشترک که از سوی موسسه (Langer Research Associate) و مرکز مطالعات اجتماعی و اقتصادی افغانستان صورت گرفته، آمده است.

از ده‌ها هزار نیروی رزمی امریکایی که در افغانستان بودند؛ حدود حدود ۱۳ هزار نظامی آنها برای مشورت‌دهی و آموزشی باقی مانده اند که تا پایان سال جاری میلادی تعداد این عساکر هم کاهش خواهد یافت.

به نوشته روزنامه واشنگتن پست، دولت‌مردان افغانستان، در جریان چند هفته‌ی گذشته، وانمود کرده‌اند که انتظار باقی ماندن عساکر و حضور ایالات متحده امریکا را در پایان سال جاری میلادی دارند.

براساس این سروی مشترک که در ماه نومبر سال گذشته میلادی در افغانستان صورت گرفته، صرف ۲۹ درصد پاسخ‌گویان، گفته اند که خواهان باقی ماندن نیروهای کم امریکایی در افغانستان بوده و یا هم خواستار خروج کامل آنها شده اند.

یک سوم پرسش شده‌ها به این عقیده اند که نقش امریکا و جامعه جهانی، در امر آموزش نیروهای امنیتی افغانستان خیلی مهم است و از آن حمایت کرده اند.

در این همه‌پرسی، از هر ده تن، شش تن آنها با وصف برخوردارها و خشونت‌ها گفته اند که وضعیت امنیتی آنها بد نیست؛ اما از آن زمان تا کنون ممکن است نسبت حملات شورشیان طالب، نگرانی مردم در مورد وضعیت امنیتی بیشتر شده باشد.

بر اساس این همه‌پرسی، ۵۳ درصد پاسخ‌گویان، فکر می‌کنند که در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان تقلب صورت گرفته؛ اما حکومت وحدت ملی مورد تایید اکثریت قرار دارد.

سه چهارم مردم به این باوراند که رئیس جمهور اشرف غنی و رئیس اجرایی عبدالله عبدالله مشروعیت دارند. ۶۱ درصد به این عقیده اند که افغانستان به راه درست روان است، در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۳ میلادی ۴۸ درصد بود.

در این همه‌پرسی، تعدادی زیادی از مردم افغانستان، از کمبود انرژی برق، بیکاری، موجودیت فساد در حکومت و پولیس شکایت کرده اند.



خواسته‌های دیده‌بان حقوق بشر از دولت وحدت ملی



موضوع تهدید در برابر خبرنگاران و رسانه‌ها در افغانستان نیز در این گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر یاد شده است. به اساس این گزارش، در شش ماه نخست سال گذشته میلادی ۶۸ حمله بر خبرنگاران در افغانستان صورت گرفته است. فیلیپ کین مسوول بخش آسیای این سازمان در گزارش سالانه خود همچنین از حکومت افغانستان خواسته است که به حقوق زنان توجه جدی کند و وعده‌های خود را برای حفظ دست‌آوردهای سیزده ساله در افغانستان عملی کند.

دیده‌بان حقوق بشر از حکومت افغانستان خواسته است که جلو تخطی از حقوق بشر را در این کشور بگیرد. فیلیپ کین، مسوول بخش آسیای این سازمان، با ابراز نگرانی در گزارش سال ۲۰۱۴ سازمان نظارت بر حقوق بشر می‌گوید که انتقال قدرت در افغانستان که با جنجال سیاسی به همراه بود و نیز وضعیت نامشخص، دست‌آوردهایی را که افغانستان در سیزده سال گذشته حاصل کرده تهدید می‌کند. در این گزارش همچنین گفته شده که معافیت در برابر تخطی‌هایی که از سوی پولیس شده، اکنون به یک رسم بدل شده است. گزارش به طور خاص از رفتار پولیس در قندهار انتقاد کرده و پولیس محلی را به تخطی‌های بزرگ حقوق بشری متهم ساخته است. شمس الله احمدزی مسوول دفتر ساحه‌یی کمیسیون حقوق بشر افغانستان در کابل با تأیید این گزارش، مسوولیت بیشتر تخطی‌ها و زورگویی را بر گردن حکومت می‌اندازد. سازمان نظارت بر حقوق بشر در گزارش خود گفته است که در سال ۲۰۱۴ میلادی حقوق زنان در افغانستان با تهدید رو به رو بوده است. بر اساس این گزارش، در نقاط گوناگون افغانستان پولیس زن و فعالان با خشونت رو به رو بودند و این‌که حکومت افغانستان در مورد قانون محو خشونت علیه زنان گام‌های جدی نبرداشته است.

Mandegar Mandegar Daily News paper روزنامه صبح افغانستان

روزنامه ماندگار برای سال آینده میلادی و خورشیدی مشترک می‌پذیرد	برای دانشجوین و استادان دانشگاه	دفاتر خارجی	برای دفاتر
نصف صفحه اول: 350\$	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۴۰۰ دالر	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی
نصف صفحه دیگر: 250\$	یک ساله - ۳۰۰۰ افغانی		
ربع صفحه: 150\$			
نصف صفحه داخلی: 400\$			
نصف صفحه داخلی: 200\$			
ربع صفحه داخلی: 100\$			

برای نشر اعلانات تان به این شماره‌ها تماس بگیرید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵

حساب بانکی روزنامه ماندگار در موبند پل: Mandegar daily Bank Account in Mawband - Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه‌ها به این شماره‌ها تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵